



دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۶۵ برابر ۲ مارس ۱۹۸۷
به ۶۰ روال سال سوم شماره ۱۳۸

شیرزن فدایی، شهیدابهرادی تهرانی، زیر شکنجه کشته شد

شد و از همان زمان بعنوان هرادار سازمان همه توان و شور انقلابی خود را در چهارچوب فعالیت موثر سازمانی متمرکز کرد. در روزهای طوفانی انقلاب بعنوان شرکت کننده فعال و سازمانده جنبش انقلابی توده ای شناخته شد. بعد از انقلاب به عضویت سازمان درآمد.
رفیق شهید در جمع همزمان بقیه در صفحه ۲

نشریه "کار" در معرفی این رفیق شهید نوشته است:
"فدائی خلق رفیق شهید ابهرادی تهرانی کادر برجسته سازمان، عضو کمیته شهر و مسئول زنان در کمیته شهر اصفهان بود، ۲۸ سال پیش در اصفهان بدنیا آمد و بعد از تحصیلات متوسطه به دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان راه یافت. او بزودی به یکی از فعالین جنبش دانشجویی تبدیل

خبر شهادت فدائی خلق، رفیق شهید ابهرادی تهرانی از سوی نشریه کار، ارکان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رسماً اعلام گردیده است. شیرزن فدائی، رفیق شهید ابهرادی که همراه مسرو فرزند خرد سالی در تابستان اسال دستگیر شده بود، یک ماه پس از دستگیری در زیر شکنجه های سبعانه در خیما به قتل رسید.

زن و انقلاب اجتماعی

زن در جوامع تحت سلطه طبقات ارتجاعی از ستم مضاعفی رنج می برد. اما زنان ایران در شرایط کنونی، در چهارچوب همین ستم مضاعف، با تعرضی مضاعف نیز روبرو هستند، تعرضی از مقابل و تعرضی از پهلو. از سویی تعرض رژیم فقهی بر همه دستاوردهایی که جنبش دمکراتیک زنان ایران در مبارزه علیه رژیم شاه بدست آورده بود، و از سوی دیگر تعرض ایدئولوژیک بورژوازی که سعی دارد وانمود کند که می تواند در همین نظام با حذف ولی فقیه آزادی زن را مقدر سازد.

مادر شماره گذشته در مقاله "اتحاد عمل نیاز مبرم جنبش دمکراتیک زنان ایران" بر میرمیت مقابله با تعرض رژیم ولایت فقیه علیه حقوق زنان، به متابله وظیفه ای عاجل، که انجام آن اتحاد عمل زنان انقلابی، دمکرات و ترقیخواه کشور را می طلبد، تاکید کردیم. بر اکنندگی های موجود در سطح جنبش و به تبع آن در جنبش دمکراتیک زنان ایران، نقیصه ای بزرگ است که انجام وظایف عاجل را بسیار دشوار ساخته است.

در این شماره به جنبه دیگری از همین مساله می پردازیم: چگونه و چه زمانی باید با تعرض ایدئولوژیک بورژوازی مقابله کرد؟ خطوطی بر مبنای وظایف عاجل و وظایف مبارزه در راه آماج نهائی چیست؟ حقیقت اینست که در این زمینه همچنان اغتشاش هائی در سطح جنبش وجود دارد. مقاله ای که در صفحه ۶ می خوانید به طرح برخی ملاحظات تئوریک در این عرصه می پردازد.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

زنان ایران! در راه صلح، دمکراسی و برابری متحد شوید!

بنحوی سابقه ای افزایش داده است، جنگ فساد و فحشا را گسترش داده است. مردها دسته دسته در جبهه ها کشته می شوند و زنها دسته دسته بیهوش می شوند. آخوندها از این وضعیت دردناک زنان بیشترین استفاده را برای پیشبرد افکار و احکام ارتجاعی خود بعمل می آورند. آنها مرتب غیبه و چند مسری را تبلیغ می کنند و برای چند زنه کردن مردان و رواج عقدهای موقت که چیزی جز فحشای رسمی نیست امکانات فراهم می آورند. جنگ پدرها را می کشد و قانون ولایت فقیه کودکان را از مهر مادری نیز محروم می کند. صدها هزار کودک پدران خود را از دست داده اند و اکنون رقم کودکان یتیمی که دست قانون خمینی آنها را از آغوش مادری رباید سربه میلیون می زند.

زنان هوطن! بیا خیزید، بقیه در صفحه ۲

اقدام خائنه تازه ای علیه منافع همه مردم انجام داد. هدف اصلی زد و بندهای سری جماران با کاخ سفید ادامه جنگ ویرانگر است. شعله و نگاهداشتن آتش جنگ یعنی کشتار دهها هزار تن دیگر، یعنی ویرانی بازم بیشتر کشور و آوارگی دهها هزار مادر و کودک.

ادامه و تشدید جنگ، بی خانمانی، بیکاری، فقر و گرسنگی و کرانی را به بلای عمومی خانواده ها تبدیل کرده است. مصائب جنگ دامن معصوم کودکان شیرخواره را با گرسنگی دائمی روبرو ساخته است. ناداری و بی بریناهی و استیصال، شرف و عزت بسیاری از زنان و دختران را در معرض بیغما قرار داده است. رژیم خمینی بر زمینه استمرار جنگ خانمانسوز ایران و عراق بنیان خانواده را در سراسیمه انحطاط و تلاشی سوق داده است. جنگ میزان طلاق را

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هشتم مارس، روز جهانی زن را با آرزوی پیروزی برای مردم زحمتکش کشورمان، به تمامی زنان و مادران ایران صمیمانه شادباش می گوید.

زنان جهان اسال عید خود را با عزم استوارتری در پیکار به خاطر صلح، ترقی و برابری جشن می گیرند. در سالی که گذشت مبارزات عادلانه زنان ایران علیه رژیم جنک افروز و زن ستیز خمینی در مجامع بین المللی با زتاب بیشتری یافت. سازمانهای زنان دمکرات در سراسر دنیا و در راس همه "فدراسیون بین المللی زنان دمکرات" از این مبارزات پشتیبانی پر شور و رزم جویانه به عمل آوردند.

زنان هوطن! اسال رژیم خمینی با بند و بست ضد ملی خود با کاخ سفید،

نیروی ۷۵۰۰ نفری سوریه در بیروت مستقر شد

* ۲۲ حزب الهی در زد و خورد با ارتش سوریه به قتل رسیده اند

سوری آتش گشود. حزب الله لبنان ادعا کرد ارتش سوریه افراد حزب الهی را دستگیر و اعدام کرده است. یک سخنگوی حزب الله گفت این گروه برای اقدام علیه سوریه منتظر دستور خمینی است. میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی بدون آنکه مستقیماً نامی از سوریه به میان آورد، "هرگونه حمله به حزب الله لبنان" را محکوم کرد. ولایتی وزیر خارجه به دمشق رفت و در باره درگیری حزب الله و ارتش سوریه با مقامات این کشور گفتگوهایی انجام داد.

هنگام ورود نیروهای سوریه به مقر "حزب الله" در غرب بیروت زد و خورد های شدیدی میان نفرات ارتش سوریه و حزب الهی ها رخ داد که به هلاکت ۲۲ حزب الهی انجامید. امل و نیروهای ترقیخواه لبنانی طبق توافق قبلی بدون خشونت مواضع خود در غرب بیروت را ترک کردند و این پایگاهها را در اختیار ارتش سوریه گذاشتند.

درگیری سربازان سوری و حزب الهی ها زمانی آغاز شد که یک، حزب الهی به سوی نیروهای

هفته گذشته نبردهای سختی که با محاصره اردوگاههای آوارگان فلسطینی در بیروت توسط شبه نظامیان امل آغاز شده و با درگیری خونین امل و نیروی ترقیخواه لبنانی ادامه یافته بود، پایان یافت و نیروی ۷۵۰۰ نفری ارتش سوریه همه ۷۵ پایگاه شبه نظامیان وابسته به گروههای مختلف را در غرب بیروت به تصرف خود در آورد و در آنها مستقر شد. اما مناطق جنوب بیروت که بیشتر تحت نفوذ "حزب الله" است، هنوز به کنترل ارتش سوریه در نیامده است.

در این شماره

- نامه شعبه زنان سازمان به مجامع بین المللی پشتیبانی از مبارزات زنان ایران را گسترش دهید! در صفحه ۲
- جمهوری اسلامی، جهنم واقعی زنان در صفحه آخر
- زن در مذاهب در صفحه ۱۱

بنابراین حزب کارگری و کمونیستی کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک ایران نبوده در اردوگاه های لبنان در صفحه آخر

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن زنان ایران! در راه صلح، دمکراسی و برابری متحد شوید!

بقیه از صفحه اول

متحد شوید و علیه جنگ و جنایات هولناک رژیم خمینی با تمام توان برسزیمید.

مادران!

آخوندهای حاکم بر کشور از میان شط خون فرزندان انقلابی و مبارز شما به سوی اهداف پلید خود راه می‌سپارند. سرکوب خونین احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه، اعدام هزاران تن از بهترین فرزندان شما، زندان و شکنجه هزاران زنمنده راه صلح و استقلال، دمکراسی و عدالت اجتماعی بخشی از کارنامه خونین خمینی است. تضاد فی نبود که در آستانه بر ملا شدن معاملات پنهانی خمینی - ریگان، موج وسیع دستگیری فدائیان خلق و نیز تشدید پیگرد علیه دیگر فرزندان مبارز خلق برای انداختن شد. زندانهای خمینی امروز بیش از هر زمانی شاهد پیکار حماسی فرزندان دلاور شما و از جمله زنان پیشرو و ترقیخواه در بند ایران است. اعتصاب غذای قهرمانانه زنان زندانی همراه هم زنجیران مرد خود جلوه رزم شما در زندانی به گستردگی ایران است. ساظر خون چکان خمینی همچنان بر فراز سر فرزندان دلاور در بند شما است. برای نجات جان فرزندان خود صفوفتان را متحدتر و یکپارچهتر سازید. به دفاع قاطعانه از زندانیان سیاسی برخیزید. از مبارزات رزم جویانه خانوادههای زندانیان سیاسی پشتیبانی کنید!

زنان شرافتمند ایران!

رژیم خمینی حقوق و آزادیهای دمکراتیک شما را بیش از پیش نگذمال می‌کند. تحمیل حجاب اکنون آشکارا عربه ای در دست ارتجاع برای دور کردن زنان از فعالیت در عرصه های اقتصادی و اجتماعی است. زنان در

معرض اخراجهای گسترده از محیطهای کار و تحصیل قرار دارند، اولین قربانیان اخراجهای جمعی از کارخانجات، ادارات و موسسات از میان زنان کارگر و زحمتکش هستند. تبعیضات شغلی و تحصیلی در حق زنان ابعاد بی سابقه ای پیدا کرده است. حقوق زن در خانواده آشکارا و با خشونت تمام از سوی رژیم فقه پایمال می‌شود. از نظر آنان زن در خانواده کنیز مطبخی، وسیله عیش و عشرت مرد و ابزار تولید مثل است. قوانین سیاه خانواده حق حضانت فرزند را از مادران سلب کرده است. قصاص و تعزیرات هر دم از زنان قربانیان بیشتری می‌گیرد. علیه این تبعیضات و منقالم مبارزه کنید! به تحمیلات ارتجاعی رژیم تن ندهید! متحد شوید و برای کذب حقوق و آزادیهای دمکراتیک خود، در راه سرنگونی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی قاطعانه برسزیمید!

زنان دمکرات و ترقیخواه

کشور!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، پیکار خستگی ناپذیرتان در امر روشنگری و سازمان دادن مبارزات زنان کشور و انعکاس رنج و رزم آنان در جنب بین المللی را ارجح می‌گذارد. جنب خودیو و پراکنده توده زنان کشور را سازمان دهید و در راه یکپارچه ساختن جنبش دمکراتیک زنان ایران بیش از هر زمان اهتمام بورزید. بخاطر داشته باشید که بدون شرکت توده زنان کشور، نمی‌توان مبارزه در راه سرنگونی رژیم خمینی را به جنبش پر دامنه و ثمرنمون توده ای تبدیل کرد.

زنان و مردان زنمنده فدایی!

شما در زیر شمشیر آخته خمینی

پیام آوران صلح، دمکراسی و برابری هستید. پیکار عادلانه زنان را علیه جنگ، در دفاع از زندانیان سیاسی، علیه قوانین ظالمانه خانواده، علیه تبعیضات شغلی و تحصیلی و علیه تحمیل حجاب سازمان دهید. در راه تحکیم پیوند خود با مبارزه توده زنان کارگر و زحمتکش مجدانه تلاش کنید. از همه امکانات و اشکال فعالیت که به گسترش روابط توده ای شایاری رساند با تمام نیرو بهره گیرید، از یاد نبرید که تنها با تلفیق هشیارانه و ماهرانه مبارزه مخفی با فعالیت علنی است که آگاهی سیاسی و اجتماعی در توده زنان راه می‌گشاید و جنبش دمکراتیک زنان ایران رشد و ارتقایی یابد.

تأمین اتحاد عمل با سایر زنان دمکرات و ترقیخواه کشور در صدر برنامه های شماست. کانون های اتحاد رزمجویانه علیه رژیم خمینی را در میان خانواده های جنگ زده و خانواده های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان ایجاد کنید. با گسترش فعالیت های خود و با قشرده تر ساختن صفوف جنبش دمکراتیک زنان ایران به هر چه رساتر ساختن بانگ رزمجویانه زنان ایران کمک کنید. این است پیام ما در فرخنده روز جهانی زن.

زنده باد ۸ مارس، روز

جهانی زن!

پیروز باد جنبش

دمکراتیک زنان ایران!

برقرار باد اتحاد عمل و

همکاری گسترده زنان انقلابی و

دمکرات ایران!

درد آتشین بر زنان

زنمنده در بند!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثریت)

۲۰ بهمن ۱۳۶۵

فیلیپین: بیانیه همبستگی با مردم ایران

شورای صلح و همبستگی فیلیپین و سازمان دمکراتیک جوانان فیلیپین طی بیانیه ای با مبارزات مردم ایران در راه صلح و دمکراسی و پایان دادن به حاکمیت ارتجاع، اعلام همبستگی کردند. در بخشی از بیانیه مزبور آمده است: "جنگ (ایران و عراق) به تحریک امپریالیسم آمریکا بوجود آمده... و بزرگترین بهره بردار آن (بویژه در عرصه های اقتصادی و سیاسی) امپریالیسم آمریکاست."

در این بیانیه پس از اشاره به سیاست های جنگ افروزان رژیم خودکامه و تئوکراتیک خمینی و سرکوب نیروهای صلح و آزادی در ایران توسط جلادان حاکم، بر ضرورت بکارگیری بیشترین کوشش هادرتحکیم و گسترش همبستگی با مردم ایران در مبارزه برای آماج های زیر تاکید شده است:

"۱- قطع جنگ ایران و عراق، در وهله اول از طریق قطع فروش سلاح به

دو طرف و آغاز مذاکرات صلح.

۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی

و بازدید از همه زندانها

و بازداشتگاههای ایران توسط یک

هیات بین المللی بی طرف از

کارشناسان پزشکی و حقوقی.

۳- سرنگونی تئوکراسی خودکامه

و قرون وسطایی خمینی، که موجب

خونریزی ها و قربانی های بیشمار

از مردم ایران شده است."

این بیانیه توسط "مواداران

سازمان آزادیبخش فلسطین در

فیلیپین نیز امضا شده است. *

شیوزن فدایی شیدا بهزادی تهرانی زیر شکنجه کشته شد

بقیه از صفحه اول

خوبش با شکیبایی و تحمل وصف ناپذیر خود شناخته می‌شد وزیر چهره مهربان و آرامش، روحی پر شور و سرشتی پیکارجو داشت. شیدا شوق تلاش در قامت متانت و روح خروش در پیکر وقار بود و در جریان تحولات سازمان همواره با اندیشه ای خلاق در موضع پیشرو قرار می‌گرفت.

از بهمن ماه ۶۱ او نیز مثل سایر همزمانش تحت پیگرد قرار گرفت. عوامل امنیتی رژیم در اصفهان او را می‌شناختند و در صد دستگیریش بودند. در چنین شرایطی او ضمن انجام تعهدات مادری خوبش، به شرکت در هسته های مخفی پرداخت و یوپیایی همسرش برای ایجاد امکانات جدید سازمانی کوشید.

رفیق شیدا در مرداد ماه امسال همراه همسر و فرزندش در تهران دستگیر شد و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفت. اکنون او تنها به یک ضرورت می‌اندیشد: "مقاومت". زن شیدا از زیر ضربه های وحشی شلاق شیار شد اما سخن نگفت و مزدوران را به انتقام واداشت. او پس از یکماه مقاومت در برابر جلادان، سرانجام جان خوبش را در راه خلق فدا کرد.

حماسه مقاومت جانانه شیدا محسول ایمان عمیق او به آرمان طبقه کارگر، عشق شیدائی اش به سوسیالیسم و آگاهی اش به اصول مبارزه سرخستانه با دشمن بود. شرایط مبارزه زنان انقلابی در جمهوری اسلامی که علاوه بر فشار سرکوب عمومی تحت فشار مضاعفی علیه حق موجودیت زنان قرار دارند، دشوارتر است. زندگی و مبارزه قهرمانانه شیدا بعنوان یک کمونیست پر شور، مادری دلسوز و همسری فداکار، سرمشق بزرگی است برای همه زنان فدائی که در شرایط پیکرد و سرکوب در ایران پیکار می‌کنند. خاطره او در سینه های مردم جاودانه می‌شود و یادش الهام بخش مبارزه فدائیان علیه ستیم و استثمار خواهد بود. رایت سرخی که با دست رفقای شهید ما افراشته شد، امروز در دست ماست. برای ادامه راه او به پیش!

هر صبح و شب به غارت توفان روند از

آخرین شقایق این باغ نیستند. *

در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن از سوی شعبه زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نامه‌های چندی در تشریح وضعیت فاجعه‌باری که به زنان ایران تحمیل شده است (همراه با اسنادی چند و از جمله

ترجمه‌ای از لایحه قصاص) برای مجامع جهانی منجمله سازمان ملل متحد و فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان ارسال گردیده است. متن این نامه را در زیر می‌خوانید.

پشتیبانی از مبارزات زنان ایران علیه تحمیلات

قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی را گسترش دهید!

در آستانه ۸ مارس روز تجلی همبستگی و اتحاد جهانی زنان در مبارزه در راه صلح، برابری حقوق، استقلال و ترقی، می‌خواهیم توجه بیشتر شما را به آنچه که بر زنان ایران رواداشته می‌شود، معطوف نسائیم.

رژیم جمهوری اسلامی در ایران که در همان بدو استقرار در سال ۱۹۷۹ زنان ایران را به مثابه اولین قربانیان عملکرد ارتجاعی و سرکوبگرانه خود، در شرایط فشار بی‌سابقه‌ای قرار داد، هر ساله مدارات تضيیقات و تحمیلات علیه زنان ایران را افزایش داده و تعرض لگام‌گسیخته‌ای علیه حقوق زنان را پیش برده است. تا بدانجا که اکنون بدیهی‌ترین و اولیه‌ترین حقوق زن به مثابه یک انسان، از سوی این رژیم صریحاً انکار می‌شود. در همین راستا در چارچوب ایدئولوژی ارتجاعی جمهوری اسلامی قوانینی تصویب گردیده است که طی آن رسماً زنان عضو درجه دوم جامعه محسوب می‌شوند. از جمله این قوانین، قانون قصاص است که فقط با دوران بربریت همخوانی دارد. تصویب این قانون نفی آشکار همه موازین بین‌المللی در زمینه حقوق زنان است. تکامی به بخش‌هایی از این قانون - که به ضمیمه ارسال می‌شود - کافیت تابع چرکین موهوماتی که راهنمای عمل جمهوری اسلامی در مورد زنان است، آشکار شود.

طبق قوانین مصوبه در جمهوری اسلامی حق حضور زنان در بسیاری از عرصه‌های حیات اجتماعی نفی گردیده است و در عرصه‌های دیگر از جمله در عرصه قضایی برای آنان حتی تنها در حد یک شهروند درجه دوم قائل شده‌اند.

در جمهوری اسلامی قوانینی به تصویب درآمده که در آن مجازات‌های وحشیانه‌ای را برای زنان در نظر گرفته‌اند. فی‌المثل طبق این قوانین، زنانی که موی سرشان دیده می‌شود و یا رنگ و فرم لباسشان با معیارهای مقرر شده ناممخوان بنظر برسد، با ۷۴ ضربه شلاق مجازات می‌شوند. این قوانین وحشیانه هم اکنون ناظر بر کارکرد دستگاه قضایی و انتظامی در ایران است و هر روزه گروه‌های کثیری از زنان کشور در مقرهای ارگان‌های انتظامی و یا میادین عمومی، بدینگونه مجازات می‌شوند. نمونه دیگری از سفاکی‌های رژیم جمهوری اسلامی، "سنگسار" کردن است. این مجازات، ویژه زنان است و مطابق آن در کیفر تخطی از برخی از ضوابط اسلامی، زنان را زنده زنده تا گردن در چاله‌ای که حفر می‌کنند، دفن کرده و سپس با سنگ بر سر و صورت آنها می‌زنند تا به قتل برسند. روزنامه‌های دولتی رژیم موارد عدیده‌ای از خیر اجرای این مجازات را منتشر کرده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی برای حذف زنان از بسیاری از عرصه‌های حیات اجتماعی، تعرض خود را با خشونت فزاینده‌ای دنبال می‌کند. آنها زنان را از محیط‌های عمومی کار، از ادارات و کارخانه‌ها اخراج می‌سازند و یا مجبور به استعفا می‌کنند. طبق آمار دولتی، نسبت بازنشستگان زن به کل تعداد بازنشستگان که در سال ۱۹۸۰، ۱۲/۷ درصد بود، در سال ۱۹۸۴ به ۲۰/۱ درصد افزایش یافت. این آمار خود گویای فشاری است که به زنان برای ترک کار اعمال می‌شود. هم‌زمان با

این فشارها، برای استخدام زنان محدودیت‌های مردم افزونتری اعمال می‌گردد. از آنجا که در جمهوری اسلامی قانون کار، حتی بر روی کاغذ هم وجود ندارد، زنان شاغل برای مقابله با این تضيیقات فاقد هرگونه امکان قانونی هستند. زنان بیوه و بیگانه و کودکان بی‌سرپرست از هرگونه تأمین اجتماعی بی‌بهره‌اند، امری که با قانون اساسی همین رژیم نیز مغایرت دارد. در چنین شرایطی دیده دهشتناک فروش کودکان خانواده‌های بی‌چیز در ایران شکل گرفته است که در روزنامه‌های دولتی نیز به آن اعتراف شده است.

جمهوری اسلامی با احیاء رسمی منحطان قبیل چند هسری، فبات خانواده‌های ایرانی را به شدت دچار مخاطره کرده است. جمهوری اسلامی رسماً هر مرد را مجاز به داشتن ۴ هسری می‌داند. علاوه بر آن قوانینی برای داشتن هسر موقت به تعداد نامحدود وضع کرده و به اجرا درآورده است. طبق این قوانین مردها مختارند این هسران موقت را هر زمانی که خود بخواهند از خانه بیرون نمایند بی آنکه این قبیل هسران هیچ گونه حقی حتی بر فرزندانشان داشته باشند. طبق قوانین جمهوری اسلامی دختر بچه‌های ۹ ساله زن کامل فرض می‌شوند که آنها را می‌توان به هسری موقت و یا دائم مردان درآورد. وجود اینگونه قوانین، اختلالات غریبی در وضعیت خانواده‌ها پدید آورده است. طبق آمار ارائه شده از سوی مسئولین قضایی یک چهارم کل پرونده‌های دادگاه‌های مدنی خاص، مربوط به پرونده‌های طلاق می‌شود. این تصویر، از رنجی است که جمهوری اسلامی بر خانواده‌های ایرانی تحمیل کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی چنگی را به مردم تحمیل کرده است که بر اثر آن صدها هزار تن کشته، صدها هزار تن معلول و مجروح و میلیونها نفر آواره شده‌اند. ۸۲ درصد افرادی که به جبهه‌ها اعزام می‌شوند نوجوانان و جوانان ۲۵ - ۱۲ ساله هستند. کودکان و نوجوانان را علیرغم مخالفت والدینشان به جبهه جنگ می‌برند. هرگونه اقدام مادران و پدران ایرانی برای بیرون کشاندن فرزندان خردسالشان از تنور جنگ به شدت سرکوب و مجازات می‌شود. همانگونه که اعتراض به دیگر وجوه عملکرد ارتجاعی این رژیم نیز مجازات‌های سختی را در پی خواهد داشت.

شما مطلع هستید که رژیم جمهوری اسلامی دهها هزار نفر را به جرم اعتقاد داشتن و بخاطر مخالفت با این رژیم، به قتل رسانده است. گروه‌های کثیری از این کشته شدگان را زنان تشکیل می‌دهند، که آخرین نمونه آن شهیدای آزادی، مسئول شعبه زنان سازمان ما در شهر اصفهان بود که اخیراً زیر شکنجه به قتل رسید. تنها در طی مدت سه سال بیش از ۱۵۰ نفر زن در ایران، با انتساب اتهامات سیاسی و یا صرفاً بخاطر داشتن اعتقاداتی خلاف عقیده رسمی و مجاز، تیرباران شده‌اند. اکنون ۱۰ درصد کل زندانیان سیاسی ایران را زنان تشکیل می‌دهند.

برغم مجازات‌های مخوف، زنان ایران سرسختانه در راه آرمانهای انسانی و به منظور دستیابی حقوق خویش مبارزه می‌کنند. زنان ایران انتظار دارند که همه انسانهای شریف در سراسر گیتی از تلاش آنها برای استقرار صلح و دستیابی به آزادی و برابری حقوق پشتیبانی کنند. ما در بازتاب این خواسته برحق، از شما تقاضا داریم از همه امکاناتتان برای انعکاس ستم بی‌حد و وحشی که از جانب رژیم جمهوری اسلامی بر زنان ایرانی می‌رود، برای یاری رساندن به مبارزه‌ای که زنان ایران در شرایطی فوق‌دشوار به پیش می‌برند، بهره‌گیری کنید. یاریهای انسان‌های شریف و آزاده جهان برای زنان ایران پرارزش است. ما از هرگونه اقدامی که در این راستا صورت گیرد، عمیقاً قدر دانی می‌کنیم.

شعبه زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
هشتم مارس ۱۹۸۷

نیروهای پیشرو و انقلابی در بلژیک در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

احزاب و سازمانهای شرکت کننده در جشن زادروز فدائیان خلق در بلژیک متن زیر را در اعتراض به تهاجم وحشیانه حکومت ددمنش خمینی علیه فدائیان و در دفاع از زندانیان سیاسی میهنمان برای سفیر جمهوری اسلامی در این کشور ارسال کردند:
آقای محترم!
به فرار اطلاع، دولت شما با هم اقدام به دستگیری‌های وسیع نیروهای

مترقی ایران بویژه اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کرده است.
تاکنون اخبار متعددی حاکی از دستگیری و سرکوب نیروهای مترقی و وضعیت دشوار زندانیان سیاسی در ایران بدست ما رسیده است.
بی سبب نیست که تاکنون مجمع عمومی سازمان ملل بارها و از جمله در آخرین اجلاس سال گذشته خود، نقض حقوق بشر در ایران را محکوم

- کرده است.
- ما، احزاب و سازمانهای زیر، دستگیری‌ها و تعقیب نیروهای مترقی را محکوم می‌کنیم.
- ما خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی در ایران هستیم.
- تا آن هنگام، ما خواهان تأمین حقوق شناخته شده زندانیان سیاسی هستیم.
- حزب کمونیست بلژیک
- سازمان جوانان کمونیست بلژیک
- حزب کمونیست بلژیک
- سازمان دانشجویان عراق - بلژیک
- حزب کمونیست بلژیک
- سازمان جوانان کمونیست بلژیک
- حزب کمونیست بلژیک
- سازمان دانشجویان عراق - بلژیک

حمله عراق به فرستنده مخابراتی کرج

از روز ۳ اسفند ماه، فرستنده موج کوتاه رادیویی دولتی جمهوری اسلامی که خارج از کشور را زیر پوشش برنامه‌های خود قرار می‌داد، از کار افتاده است. روزنامه فرانسوی اکسپرس در گزارش خبری ویژه خود اعلام کرد که در جریان حمله هوایی عراق به مرکز مخابراتی کرج واقع در کمال آباد غرب تهران، آنتن‌های فرستنده موج کوتاه رادیویی جمهوری اسلامی آسیب دیده است. جنگنده بمب افکن‌های عراق روز یکشنبه سوم اسفند در شرایطی بر فراز شهر کرج ظاهر شدند که دولت عراق رسماً اعلام کرده بود که برای مدت ۲ هفته حمله به شهرهای ایران را قطع کرده است. عراق طی روزهای هفته گذشته بارها جمهوری اسلامی را متهم کرد که با حملات توپخانه‌ای به شهرهای مرزی آن کشور، مناطق مسکونی عراق را مورد حمله قرار داده است. طبق گزارشی که از سوی فرماندهی ارتش عراق منتشر شد، جمهوری اسلامی طی روزهای اخیر بیش از ۵۸ گلوله توپ به شهر بصره شلیک کرده است.

روز چهارشنبه ۶ اسفندماه، سر فرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که در صورت تکرار حملات توپخانه‌ای جمهوری اسلامی به شهر بصره و یا دیگر شهرهای مرزی آن کشور، بار دیگر جنگ شهرها را از سر می‌گیرد. موسی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی همان روز ادعا کرد که در مدت یاد شده، حملات توپخانه‌ای به شهر بصره متوقف بوده و ادعای عراق مبنی بر آتشبار توپخانه‌ای به این شهر را تکذیب کرد.

خبر گزاریهایی بین‌المللی اعلام کردند که جمهوری اسلامی در جریان یک حمله جدید در حوالی دریاچه مامی، به خطوط دفاعی عراق یورش برده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که در جریان حمله جدید خود در محور شلمچه - بصره که در ادامه عملیات کربلای ۵ صورت گرفته است، ۲۰۰ تن از نیروهای عراقی را کشته و زخمی کرده است. پس از آن

در روز ۱۸ اسفندماه در تهران اعلام شد که عملیات کربلای ۵ به پایان رسیده است.

رژیم عراق روز ۸ اسفند اعلام کرد که دوفروند جنگنده جمهوری اسلامی را در حوالی بصره سرتگون کرده و یک نفتکش غول پیکر ایران را در سواحل جنوبی کشور، به آتش کشیده است. از سوی دیگر اعلام شد که جمهوری اسلامی در همان روز اقدام به حمله به یک کشتی تجاری خارجی نموده است. در ۲ ماه اخیر این سیزدهمین کشتی خارجی است که در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته است.

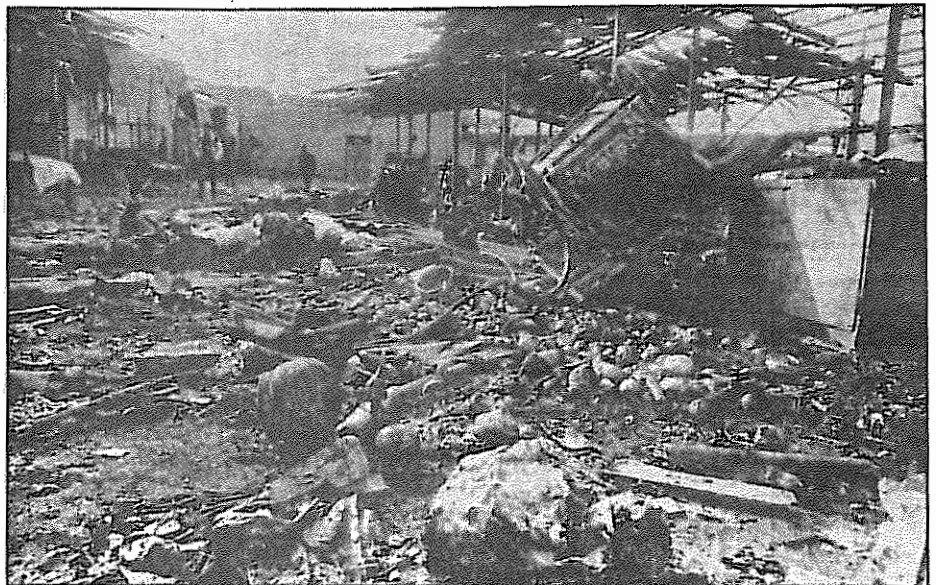
حمله جدید در منطقه بصره

یک روز پس از اعلام پایان عملیات موسم به "کربلای ۵"، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در منطقه این عملیات دست به یک حمله جدید زدند. فرارگاه مشترک سپاه و ارتش اعلام کرد در ساعت ۲۲ روز شنبه ۹ اسفند، نیروهای تحت فرماندهی این فرارگاه در غرب منطقه عملیاتی کربلای ۵ به نیروهای عراقی حمله کرده و مواضع جدیدی در جنوب غربی دریاچه مامی به دست آورده‌اند. جمهوری اسلامی مدعی شد در این یورش جدید ۴ تانک ارتش عراق را به میزان ۳ تا ۸ درصد منگونی کرده و از تلفات عراقی ۲۰۰ نفر را کشته و مجروح و با اسیر نموده است. تعداد اسرای عراقی انتقال یافته به پشت جبهه ۹۰ تن و شمار تانکها و خودروهای منهدم شده عراق ۴۵ عدد اعلام گردید. تا هنگام تنظیم این خبر - ظهر روز یکشنبه ۱۰ اسفند - اطلاع دقیقی از گستردگی و شدت نبردهای مجدد شرق بصره نرسیده بود.

شامنه ای

در زمینه پدافند هوایی مشکلاتی داریم

اطلاعات ۲۶ بهمن - حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهوری رژیم در مصاحبه با هفته‌نامه عربی



اینجا ملایر است، یکی از محروم‌ترین محلات ملایر است؛ یکی از محروم‌ترین محلات ملایر بود... نگرانی دهشتناکی بر شهرهای کشور سنگینی می‌کند.

زبان‌العالم فاش ساخت که جمهوری اسلامی در زمینه دفاع از شهرهای کشور در مقابل حملات هوایی بمب افکن‌های عراق ناتوان است. وی در برابر این سؤال خبرنگار العالم که مطرح کرده بود: "پدافند ایران در شهرها موفق نبوده و علت این امر را خیلی از رسانه‌ها انتقال و مسائل پدافندی به جبهه دانسته‌اند و دلیل این امر را هم سقوط هواپیماهای عراقی در جبهه‌ها ذکر کرده‌اند"، عنوان کرد: "ما در زمینه پدافند هوایی مشکلاتی داریم و این واقعیتی است و وضعی که امروز عراق در شهرهایش آورده است، جزو وضع‌های کم نظیر و استثنایی در تاریخ جنگهای اخیر به شمار می‌رود." خامنه‌ای در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار هفته‌نامه العالم که پرسیده بود "علت کند و پیچیده شدن حرکت (عملیات کربلای ۵) در روزهای اخیر چیست؟" چنین پاسخ داد: "عملیات نظامی طبیعت خودش را دارد و همواره با موانع، مشکلات و درگیریها مواجه است. این که نیروی توانایی جنگیدن دارد یا نه، در ملاحظه مجموع حوادث جنگ است... و انشاءالله در آینده هم بهتر خواهد شد."

بهای نفت کاهش یافت

رسالت ۲۷ بهمن - بدنال انتشار گزارش هفته‌نامه "پترولیوم اینتلیجنس ویکلی" چاپ نیویورک، بهای نفت در بازارهای جهانی کاهش یافت. براساس این گزارش، تولید نفت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به میزان ۷۰۰ هزار بشکه در روز بیش از سقف تعیین شده در اجلاس ۲۰ دسامبر ۸۶ می‌باشد. براساس این گزارش کشورهای امارات متحده عربی، عراق و کویت و اکوادور سهمیه‌های تعیین شده خود را رعایت نمی‌کنند. روزنامه رسالت به نقل از منابع نفتی خلیج فارس نیز اعلام کرد که تولید جاری اوپک روزانه ۱۶/۵ میلیون بشکه است. این در حالی است که بنا به مصوبه اجلاس دسامبر وزرای نفت اوپک، حداکثر سقف تولیدی نفت این سازمان برای سه ماهه اول سال میلادی جاری می‌بایست ۱۵/۸ میلیون بشکه در روز باشد. براساس گزارشهای منتشر شده از سوی محافل بین‌المللی امور نفت، امارات متحده عربی در حال حاضر ۲۰۰ هزار بشکه بیش از سهمیه ۹۰۲ هزار بشکه‌ای خود در روز نفت تولید می‌کند. علت افزایش تولید نفت امارات متحده عربی، مربوط به اضافه تولید دومی است که عملاً توافقنامه اخیر اوپک را به رسمیت نمی‌شناسد.

روزنامه رسالت به نقل از "تحلیلگران" علت عمده کاهش بهای نفت خام در بازارهای جهانی را "عوض شدن معامله‌گران نسبت به توانایی اوپک در زمینه ملحوظ داشتن سقف تولید آن سازمان" عنوان کرده است.

منابع سعید العتیبه وزیر نفت و منابع معدن امارات متحده عربی احتمال برگزاری اجلاس اضطراری وزرای نفت اوپک و کاهش بیشتر سقف تولید آن را مطرح کرده است.

بهای نفت تحویلی برای ماه مارس در هر بشکه نفت وست تکراس، برنت و دومی به ترتیب به ۱۷/۸۵، ۱۷/۲۵، ۱۶/۴۵ دلار رسید که کاهشی معادل ۵۰، ۴۹ و ۲۰ سنت برای هر بشکه را نشان می‌دهد.

بقیه در صفحه ۶۶

تحصن کارگران کارخانه ارج

در کارخانه ارج نیز مثل سایر کارخانه‌های کشور، مبارزه کارگران برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل جریان دارد. اوایل بهمن‌ماه، کارگران این کارخانه تصمیم می‌گیرند برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل مدیر عامل را تحت فشار قرار دهند. ۲۵۰ تن از آنان برای عملی ساختن این تصمیم به سراغ مدیر عامل می‌روند و در مقابل ساختمان امور اداری تحصن می‌کنند. مدیر عامل و سایر مسئولین کارخانه از شرکت در میان اجتماع کنندگان اجتناب می‌ورزند و حاضر به پاسخگویی به آنان نمی‌شوند.

در جریان این تحصن انجمن اسلامی و عوامل حراست (ساواک کارخانه) برای بازداشتن کارگران از پیگیری این حرکت اعتراضی و برای شناسایی سازمانگران آن به فعالیت مشغول بودند. آنان از کارگران متحصن مخفیانه عکس گرفته و آن را در اختیار دادستانی و ساواک قرار دادند. چند روز بعد، از طرف دادستانی و ساواک مأمورینی به کارخانه آمده و کارگران را تهدید کردند که از تکرار این قبیل اقدامات خودداری کنند. همچنین برای مرعوب ساختن کارگران تصمیم به اخراج عده‌ای از کارگران مبارز گرفته‌اند. این تصمیم را هنوز نتوانسته‌اند به مرحله اجرا درآورند ولی به منظور زمینه‌سازی اخراج، انجمن اسلامی اطلاعیه‌ای علیه این عده از کارگران صادر کرده است.

مرگ کارگردر کارخانه ایران کاوه

فرمان، کارگر کارخانه ایران کاوه، روز دوم دی ماه سال جاری، هنگامی که در برج نگهداری، مشغول کشیک شبانه بود، دچار حمله صرع شد و به روی اجاق برقی افتاد. او در این حادثه به علت شدت سوختگی جان خود را از دست داد.

فرمان به هنگام فوت، ۲۴ سال داشت. او از سال ۵۵ به استخدام کارخانه درآمده بود. سال‌ها کار در شرایط طاقت فرسای کارخانه، او را دچار بیماریهای مختلف نموده و بیماری صرع را در او تشدید کرده بود. مسئولین کارخانه می‌دانستند که او بیمار است. حتی پیش از حادثه اخیر، سه بار دیتر نیز در محل کارخانه دچار حمله شده بود و دربار صوم، کتری آب جوش به پایش ریخته و او را مدتی خانه‌نشین کرده بود. مسئولین کارخانه در پاسخ به مراجعات مکرر فرمان و سایر کارگران کارخانه، تنها به تغییر محل کار وی اکتفا کرده بودند. آنها حاضر نشده بودند برای معالجه وی امکانات درمانی تأمین کنند.

کارگران کارخانه معتقدند اگر مسئولین کارخانه و اداره کار به بیماری فرمان توجه می‌کردند الان ۴ فرزند وی بی‌سرپرست نمی‌شدند.

کشتار روستائیان توسط پاسداران

اواسط دی‌ماه میان پاسداران حکومتی و

روستائیان فرح‌زاد تهران (واقع در غرب سعادت‌آباد) درگیری مسلحانه‌ای رخ داد. این درگیری در پی مخالفت روستائیان با غصب زمینهایشان توسط پاسداران روی داد. پاسداران مدعی بودند که (هزارمتر مربع از زمینهای فرح‌زاد توسط دولت به آنان داده شده است. اهالی منطقه که اغلب از کردهای مهاجر هستند اعلام کردند که حاضر به واگذاری زمینهای خود به دولت نیستند. پاسداران مسلح برای عقب نشاندن روستائیان، به زور و اسلحه متوسل شدند. روستائیان با عزمی راسخ، داس و بیل به دست گرفته و به مقابله با پاسداران برخاستند. آنان، پس از چندین ساعت درگیری، پاسداران را خلع سلاح کرده و از ده بیرون راندند. وقتی نیروهای کمکی پاسداران از راه رسید، تهاجم وحشیانه به روستائیان دوباره آغاز شد. مردان روستا در مزارع موضع گرفتند و زنان برای افشاکری و بسیج اهالی مناطق اطراف، به خارج از روستا روانه شدند. پاسداران چون می‌دانستند اگر پای زنان به بیرون از روستا برسد، درگیری گسترده‌تر خواهد شد، به سوی آنان آتش گشودند. با حمله مسلحانه پاسداران عده‌ای از اهالی فرح‌زاد به قتل رسیدند و عده زیادی مجروح شدند. علاوه بر این، نزدیک به ۱۰۰ تن از روستائیان را دستگیر و روانه زندان کردند.

پس از آن پاسداران در روستا حکومت نظامی برقرار کردند.

گزارشنامه ای از بمباران ارومیه

"... روز شنبه، یازدهم بهمن ماه در اداره بودم که اعلام وضعیت فرم شد. ساعت ده و سی دقیقه بود. با اعلام وضعیت فرم، صدای ضدهوایی ساختمان استانداری بلند شد. همه بی‌خبر از اینکه مثل سابق هواییهای عراقی از آسمان شهر رد می‌شوند، توجهی به آژیرها نداشتند. هواییها حدود ۵ یا ۶ فرود بودند. ناگهان باران بمب و راکت بر سر شهر باریدن گرفت. طوری بود که نمونه اش راحتی در فیلمهای مستند جنگی هم ندیده‌اید. با شروع بمباران، ساختمان مرکزی اداره که به عنوان پناهگاه عمومی اعلام شده، مملو از جمعیت شد. بمباران حدود ۲ دقیقه طول کشید. هنوز نمی‌دانستم تمام شده یا نه. به طرف خانه راه افتادم. در خیابانها، رانندگان ماشینها را رها کرده و رفته بودند. خیلی از ماشینها به هم خورده و آسیب دیده بودند. ماشینهای پاسداران و آمبولانسها با سرعت از لابلای اینها و جمعیتی که در خیابانها به دنبال پناهگاه به این طرف و آن طرف می‌دویدند، درآمد و رفت بودند. همان روز چندین نفر زیر چرخهای این ماشینها کشته شدند. مردم به "تویوتا"های سیاه و کمیته لقب فانتوم زمینی داده‌اند.

سیصد متری منزل ما بمبی منفجر شده بود و اکثر خانه‌های محل آسیب دیده بود. می‌توانم بیش از بیست منطقه بمباران شده دیگر را بشمارم. پاساژ نور در خیابان خیام یکی از این مناطق است. با وجود اینکه ساختمانی نوساز داشت ولی از شدت بمباران به کلی ویران شد. مدرسه بهجت و دبیرستان لعل نیز هدف حمله بودند. در مدرسه بهجت بیش از ۷۰ دانش‌آموز در دم جان سپردند. حدوداً ده راکت

به دروازه شاپور انتهای خیابان رضایی پرتاب شد. راکتی به یکی از مغازه‌داران که جلو مغازه اش ایستاده بود اصابت کرد. قطعاتی از بدن او به در و دیوار چسبیده بود. با برخورد یکی از راکت‌ها به اتوبوسی مملو از مسافر، همه کشته شدند و پیکرشان در شعله‌های آتش سوخت. در خیابان سیروس داروخانه دلشاد مورد حمله قرار گرفت. دکتر مسئول داروخانه در همین حادثه کشته شد. به نظر می‌رسد می‌خواستند مدارس نزدیک داروخانه را بزنند که خوشبختانه نتوانستند. در خیابان پهنه و دانشکده، ساختمانهای پشت بیمارستان طالقانی به شدت عدمه دیدند. شاهرخ آباد و حسین آباد که هر دو از مناطقی زحمت کش‌نشین و برج‌میت حاشیه شهر هستند چنان آسیب دیدند که دیگر قابل تعمیر و ترمیم نیستند. خیابان سیروس، و روبروی کلانتری یک، میدان دواب سابق چندین ساختمان هدف قرار گرفت و عده‌ای از روستائیان که در محل به انتظار اتوبوس بودند مجروح شدند. ... اینها در بمباران اول بودند. در این بمباران به هر کجا بمب افتاد، به شعاع ۵۰ متر ویران شد.

هنوز آثار قطعات بدن انسان، که به در و دیوار چسبیده بود، باقی است. تکه پاره‌های پیکر متلاشی عده‌ای را حتی نتوانستند جمع‌آوری کنند. در بمباران اول حدود هزار نفر کشته شدند و هزاران نفر زخمی هستند. در بیمارستان جای سوزن انداختن نیست. به علت کمبود دکتر و دارو و کمک‌های اولیه، هر روز بر تعداد کشته‌ها افزوده می‌شود. از فردای روز بمباران، مردم شهر مشغول جمع‌آوری کشته‌ها و کفن و دفن آنها بودند. کمی به فکر مراسم و تشریفات نبود. کورکن نبود و مردم خردشان بیل و کلنگ دست گرفته و زمین یخزده "باغ رضوان" را می‌کندند. از همان لحظه

آغاز بمباران، شیر تعطیل شد و هر کس قادر بود شهر را تخلیه کرد.

هنوز کار جمع‌آوری و دفن مرده‌های شنبه را تمام نکرده بودیم که هواییها دوباره آمدند. دوشنبه روز سیزدهم بهمن. کشتار اول مردم را درمانده کرده بود. هر کس به اولین سوراخی که چشم می‌خورد، پناه می‌برد. به هنگام حمله هواییها، در کودال‌های جوی آب در کنار خیابان، جمعیت به روی هم خوابیده بودند. هواییها با خیال آسوده بمب‌هایشان را ریختند. این بار آن نقاطی که از تیریشان دور مانده بود، زدند. در خیابان عسکرآبادی وسط محوطه مسجد اعظم و در خیابان مهاباد، ۵۰ متری میدان مرکز، محل تجمع مسافری روستاهای کردنشین به شدت بمباران شد. میدان تره‌بار در خیابان شهرام جنب دبستان نوید فتح یکی دیگر از مناطق مورد حمله بود. هر چند عده‌ای در این منطقه بود، کشته یا زخمی شد. در خیابان مهاباد بر اثر اصابت بمب، از وسط خیابان آب بیرون آمده بود. بلوار زنجیر در جاده دریا و خیابان بهارستان و کارخانه سبزه پاکتی که کارگران آن عموماً زن درختریجه‌ها هستند بمباران شدند. اگر بمب‌هایی که به این منطقه ریخته شده، کمی آنطرف‌تر اصابت می‌کرد، چند هزار دانش‌آموز مدارس منطقه یکجا در شعله آتش می‌سوختند. در خیابان شاپور (رضایی فعلی) کلانتری ۳، دبستان دهقان و خانه‌های اطراف آن نیز بمباران شدند. ساختمان کلانتری با خاک یکسان شد و کارمندان آن زیر آوار ماندند.

علاوه بر کشته‌ها که رقم آنها بیش از ۲۰۰ نفر است عده زیادی نیز مفقود شده‌اند.

زن و انقلاب اجتماعی

جامعه یک سیستم است و یک سیستم بنا بر تعریف مجموعه‌ای است از اجزای مرتبط با هم که بین آنها، رابطه هماهنگی و تبعیت برقرار است. پدیده‌های اجتماعی منتزَع از یکدیگر معنی ندارند. همه را باید در رابطه با یکدیگر و تقدم و تاخر روابط را، به لحاظ علی، به لحاظ تاریخی و منطقی، با دقت مورد توجه قرار داد. بدون در نظر گرفتن این نکته پایه‌ای، نمی‌توان با یک مسأله اجتماعی، برخورد علمی داشت. شناخت علمی جامعه در مارکسیسم - لنینیسم تبلور یافته است. مارکسیسم - لنینیسم علاوه بر نقد بیرحمانه شیوه‌های غیر علمی مطالعه جامعه تاکید می‌کند آنجایی که مدعیان طرح و حل یک مسأله اجتماعی، آن مسأله را از دیگر مسائل اجتماعی منتزَع می‌سازند، روابط زنده و پویای آن را می‌کسند تا روابط علت و معلولی از نظرها مخفی بماند، پای یک فریب بافتاتی در میان است.

مسأله زنان یکی از عمده‌ترین مسائل همه جوامع طبقاتی است. میزان حدت و شدت این مسأله در جوامع مختلف، جوهر آن را تغییر نمی‌دهد. مسأله زنان ایران ما اکنون تفاوتی با شگرفی با مسأله زنان در آمریکا یا اروپا دارد. اما علی‌رغم این تفاوتها قلب مسأله یکی است: ستم دوگانه.

مسأله زن، بعنوان یک مسأله اجتماعی را، نمی‌توان منتزَع از دیگر مسائل اجتماعی مورد بررسی قرار داد. طرح انتزاعی این موضوع تنها از سوی فریبکاران یا فریب‌خوردگان، صورت می‌گیرد. اعتلای زن! زن در مسیر رهایی! اوج و مقام ویژه رهبری زن! آزادی زن! آیا این ادعاها را باید باور کرد؟

نظر نسبت به آزادی زن تابعی است از نظر نسبت به آزادی و دموکراسی. آزادی زن، شاخص آزادی یک جامعه است. انگلس در بررسی افکار فوریه به این گفته او که "در هر اجتماعی، میزان آزادی همگانی بستگی به میزان آزادی زن دارد"، ارج فراوانی می‌گذارد. مارکس تاکید می‌کند که از نحوه مناسبات مرد با زن می‌توان پی برد که "آدمی" بعنوان یک نوع، تا چه درجه‌ای به "انسان" تبدیل

شده است. آزادی زن یکی از شاخص‌های بنیادین تکامل نوع بشر است. با در نظر گرفتن وزن و قدر آزادی زن، می‌توان میزان تکامل "انسانیت"، و اعتلای اخلاقی، فکری و اجتماعی بشر را محک زد. گذاشتن هر اما و اگر، در این سوآن سوزنازه آزادی، بلافاصله به زنجیری بردست زنان تبدیل می‌شود.

جمهوری اسلامی، رژیم آزادی‌کش است و طبیعی است اگر چنین رژیمی، آن هنگام که برگرد کلیت جامعه حصار می‌کشد، در درون این زندان بزرگ، زندان مخوفتری ویژه زنان تدارک ببیند. خصلت حیوانی‌فقاها در رابطه با زنان پرورشی دارد. اگر شکل رابطه با زن نحوه تلقی از زن، شاخص انسانیت باشد، فقاها را باید مشتکی گوریل محم بنامیم.

مسأله زنان را در رابطه تنگاتنگ با برداشت و تلقی از مقوله آزادی و دموکراسی دیدن، معیار مستحکمی برای اثبات بوج بودن دعاوی همه تفکرات اتجاعی، چه تفکرات سنتی و چه اندیشه‌های بورژوازی جدید است. بورژوازی ایران در زمان شاه نیز که برخلاف امروز نمایندگان مکلایش عنان حکومت را در دست داشتند، در زمینه آزادی زن امتحان خود را پس داده است. از خاطر نبرده‌ایم که خردشاه چه درکی از زنان داشت و فراموش نکرده‌ایم که در قاموس شاهنشاهی "آزادی زن" به چه معنی بود. دیکتاتوری شاهی، یکی از ارکانش نقض آشکار حقوق زنان بوده است.

طرح انتزاعی "آزادی زن" فریبکارانه است. درک از آزادی زن را درک از مقوله دموکراسی معنی می‌کند، اما دموکراسی در بیان انتزاعی شکاری بورژوازی بیش نیست. دموکراسی برای چه کسانی؟ دموکراسی در خدمت نیل به چه اهدافی؟ چه نیرویی برچمدار دموکراسی واقعی برای اکثریت توده مردم است؟

درک مشخص از مفهوم آزادی زن مستلزم درک مشخص از مفهوم آزادی است. تدقیق مفهوم "آزادی"، برای تحقق بخشیدن به آزادی زن،

هم از زاویه تئوریک و هم از زاویه پراتیک مبارزاتی، دارای یک اهمیت کلیدی است. هم‌زمان با طرد برداشت بورژوازی از دموکراسی، در عرصه بحث مشخص حول مسأله زن نیز باید فعالانه در جهت طرد تفکرات بورژوازی از صفوف جنبش زنان، مبارزه کرد. لنین در مقاله "کنگره انترناسیونال سوسیالیستی در اشتوتگارت" این تصمیم را که زنان کارگر باید مبارزه خود برای کسب حق رای را، نه در اشتراک با مدافعان بورژوازی حقوق زنان، بلکه در اتفاق با احزاب طبقاتی پرولتاریا پیش ببرند، (با تأکید عنوان گذاری کلارازتکین) انقلابی، و دیدگاه مقابل آن را، که مبتنی بر نادیده گرفتن صف بندیهای طبقاتی در جنبش زنان بود، اپورتونیستی ارزیابی می‌کند (۱). این ارزیابی لنین از دو دیدگاه در جنبش زنان، مبتنی بر ارزیابی او از مفهوم دموکراسی است. مسأله زنان، از جمله مسائل یک انقلاب بورژوازی - دموکراتیک است.

لنین در مقاله "به مناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر" (۲) می‌نویسد: "مذهب یابی حقوقی زنان باستمرگی نسبت به ملیتهای غیروس و نابرابری حقوقی آنها را بگیریید. همه اینها مسائل مربوط به انقلاب بورژوازی دموکراتیک است... لنین پس از تعیین کردن این چارچوب تاریخی بلافاصله تاکید می‌کند: "اما حقیقی یک کشور راقی جهان نیست، که این مسائل در آن در جهت بورژوازی - دموکراتیک تا آخر حل شده باشد." (تاکیدات از لنین). علت این امر چیست؟ رهبر انقلابی که در زمینه رهایی زنان نیز فصل تازه‌ای کشود، در ادامه این تاکید خود، به این پرسش چنین پاسخ می‌دهد: زدودن ستم مذهب، ستم بر زنان، ستم ملی و... همه اینها مضمون انقلاب بورژوازی دموکراتیک است. صد و پنجاه تا دویدست و پنجاه سال پیش از این، پیشوایان پیشگام این انقلاب (اگر بخوایم از یک یک صورت حلی این طراز کلی سخن گوئیم، باید بگوئیم این انقلابها) به مردم وعده دادند، بشریت را از قید امتیازات قرون وسطایی، نابرابری زنان، امتیازات دولتی فلان یا بهمان دین (یا "اندیشه دینی" و "دینداری" بطور اعم) و از قید نابرابری ملیتها برهانند. وعده دادند و اجرا نکردند. نمی‌توانستند اجرا کنند زیرا "احترام" به "مالکیت خصوصی

مقدس" مانع بود. براساس این ملاحظات، در رابطه با وضعیت مشخص کشور ما، حل مسأله زنان در کادر وظایف انقلاب دموکراتیک جامی گیرد که توسط طبقه کارگر سرکردگی شود. در این چارچوب است که آزادی جامعه انتزاعی بودن را فرو می‌نهد و تشخص عینی و طبقاتی می‌یابد. مضمون این انقلاب و مرزهای آن با انقلاب بورژوازی - دموکراتیک، روشن‌کننده برداشت ما از آزادی زن و شاخص مرزهای طبقاتی در جنبش زنان است. انقلاب دموکراتیک، در هم کوبیدن همه ستمهای "نفرت انگیز" سوزنازه و قرون وسطی است. از این نظر انقلاب دموکراتیک تر از نوین، و جوه مشترکی با انقلاب دموکراتیک تر از کهن دارد.

اما در عرصه‌ها که بورژوازی پرچم دار این انقلاب نیست، ما با انقلاب دموکراتیک، هم‌زمان از دوزخ قرون وسطی و سرمایه داری فاصله می‌گیریم. این فاصله گرفتن در عرصه بحث ما، به معنی فاصله گرفتن چه از الگوی قرون وسطایی زن و چه از الگوی سرمایه دارانه زن است.

اما در حال حاضر چه چیز عمده است؟ مسأله عاجل زنان گسستن قید و بندهای قرون وسطایی است، مسأله عاجل زنان فروریختن زندان حجاب است، لغو قانون چند همسری است، زیربافکندن قانون فحشای اسلامی در زیر عنوان نفرت انگیز عقد موقت است، پاره کردن "لایحه قصاص" است، تلف افکندن بروی این حکم پایهای فقهیست که "زن نصف مرد است". در عمده بودن این مسایل، هیچ تردیدی نباید کرد. اما تردید هم نباید کرد که نمی‌خواهیم از ایران جمهوری اسلامی، به ایران شاهنشاهی بازگردیم. برنامه حداقل ما در زمینه حقوق زنان، آزادی پوشش در پیش از انقلاب، و قانون خانواده، قانون کار و قانون تأمین اجتماعی مجلس شورای ملی دستگاه سلطنت نیست. آماجهای ما - که تنها دستیابی به آنها آزادی کامل زن را متحقق می‌سازد - از مرز یک انقلاب بورژوازی دموکراتیک به مراتب فراتر می‌رود و درک ما را از یک برنامه بورژوازی در زمینه مسأله زنان، بطور کیفی - با توجه به جهت و پیشگیری آن - فراتر می‌برد.

جنایات رژیم جمهوری اسلامی در زمینه پابمال کردن حقوق زنان، توجیه کننده رژیم سلطنتی نیست.

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن گرامی باد!

اکنون زنان بورژوازی ما همچون زنان کادت (دموکراتهای مشروط خواه روسیه) بقول لنین آماده اند که در برابر کنیز مطبخی های ما "براساس بهترین منابع انگلیسی و فرانسوی، در مورد حق مساوات زنان دست به سخنرانی بزنند." (۲) پاسخ زنان زحمتکش ما به آنها باید این باشد که:

ما شما را آموخته ایم. ما در زمان سیادت شما اربابان محترم، همینگونه کنیز مطبخی بوده ایم. آنکه واقعا در راه آزادی زن می ریزد، حق ندارد حتی لحظه ای این واقعیت را فراموش کند.

باید بین حقوق بورژوازی در زمینه آزادی زن و سیادت بورژوازی در زمینه جنبش زنان، تفاوت قایل شد. ما بسیار خرسند خواهیم بود اگر زمانی زنان ما به همان حقوقی که زنان اروپایی دست یافته اند، دست بیابند. در راه دستیابی همان حقوق نیز مبارزه خواهیم کرد. اما در جریان همین مبارزه از بیاد نمی بریم که در پس همین حقوق بورژوازی در اروپا و آمریکا، جنبش های عظیمی همچون جنبش ۸ مارس - جنبشی که به دست بورژوازی به خون کشیده شد - نهفته است. اشرافیت و در عرصه های مهمی خود بورژوازی در مبارزه ای سخت سنگر به سنگر عقب رانده شدند، تا حقوق زنان رسمیت یافت.

ما از حقوق بورژوازی در مورد زنان، که خود ثمره جنبش های عظیم و نتیجه قرنهای متمادهی رزم و تلاش است، بسیار می توانیم بیاموزیم.

اما باین آموزش به معنی آنست که بورژوازی و زنان روشنفکر آن می توانند مربی ما باشند؟ نه! در اینجا مساله مهمتری وجود دارد. اکنون در برابر دستگاه حقوقی بورژوازی، یک دستگاه حقوقی دیگر شکل گرفته است: حقوق سوسیالیستی. منبع الهام ما، این دستگاه حقوقی است. ما به سوسیالیسم چشم داریم و در این راستا می جنگیم که زن ایرانی همپایه و همتراز زن شوروی، زن بلغاری، زن ویتنامی و زن کوبایی شود. ما نیازی نداریم که از قرون وسطی به شکل متکامل (۱) مدنیت بورژوازی گام بگذاریم. ما این روند را قطع می کنیم و هیچ نیازی نداریم با قایل شدن به مرحله دیگری از تداوم و تکامل رشد سرمایه داری، خواسته های خود را در حد توان این نظام خلاصه کنیم. نظامی که هیچگاه (و بطریق اولی امروز) نه می تواند و نه می خواهد برابر حقوقی زنان را تامین کند. حل واقعی مساله زنان، کاریک انقلاب اجتماعی است، امری که بورژوازی (در هر شکل و شمابلی) سد راه آنست.

از یک انقلاب اجتماعی که انقلابی توده ای است، بدون شرکت فعال زنان، نمی توان سخن به میان آورد. زنان، انقلاب را توده ای می سازند. ما از هم اکنون شاهد شرکت فعال زنان میهن در اعتراض علیه جنگ، در اعتراض علیه فلاکت اقتصادی، و در اعتراض به خاطر نجات جان زندانیان سیاسی هستیم. زنان، رکن اصلی انقلاب

آینده ما هستند. قلب آنها سرشار از کینه نسبت به رژیم جمهوری اسلامی است. این نفرت عمیق باید در بسیج انقلابی زنان، دوشادوش با رزم متشکل کارگران و زحمتکشان کشور، و در هم تنیده با مبارزه اردوی رنج و کار، تبلور مادی و قدرت براندازی بیابد.

زنان اهرم رزم انقلابیند، نه صرفا وسیله و بهانه افشاگری. مادر افشاگری علیه تحمیل حجاب، علیه فحشای اسلامی و علیه تعدد زوجات، با بخشهایی از بورژوازی همراهیم. بسیج انقلابی زنان زحمتکش است که مرز افتراق کنونی ما با زنان بورژواست. یک تفکر بورژوازی، تفکر صرفا دموکراتیک، در نهایت از چارچوب بهره برداری از زنان برای افشای خصلت قرون وسطایی حاکمیت، فراتر نمی رود. افشاگری پاسیو و بر خورد با مساله زنان صرفا از زاویه دفاعی - دفاعی تا حد اکتفا به دست یافتن به سنگری که تا دیروز در آن قرار داشتیم - جنبش زنان ما را اعتلا نمی بخشد. افشاگری باید در خدمت بسیج انقلابی قرار گیرد. تکامل بخشیدن به وظیفه افشاگری، تحقق وظیفه بسیج گر، رسیدن از وظیفه اول به وظیفه دوم، بر طرف کردن گسست بین آن دو و باز کردن کامل در جنبش حول لولای وظیفه بسیج گر، که مستلزم برخوردی صد بار فعالتر از امروز با مساله زنان کشور است، وظیفه همواره ماست. امری که امروزه آسانی بگونه ای تراژیک فراموش (!) می شود. لازمه فراتر رفتن از یک سنگر

دفاعی و دست زدن به یک تعرض - تعرض از روبرو به جبهه ارتجاع فقامتی و تعرض از پهلو به اردوی جبهه خرده بورژوازی و بورژوازی - ارائه نظر اثباتی در زمینه حقوق زنان، ترویج و تبلیغ وسیع آن است. ما در این عرصه (از جمله به تقصیر خود) بسیار ضعیف مانده ایم. نیروی عادت، قدرت سنتها در جامعه ما، آوارگی آن قرنیا تقیر و توهمین، فقر فرهنگی اکثریت قریب به اتفاق زنان زحمتکش ما (و نیز کم کاری خود ما!) همه همه به نفع ارتجاع فقامتی و ارتجاع بورژوازی عمل می کنند. ما باید به تلاش خستگی ناپذیری دست بزنیم تا بتوانیم الکوی را که از زن در ذهن داریم، به جامعه خود معرفی کنیم. کار سختی بنظر می آید، اما آنکه از سختی کار واهمه کند، به هیچ رو مبارز خوبی نیست. هر لحظه غفلت در زمینه دست زدن به این تلاش، هر ذره کوتاهی در این رزم دراز مدت، باعث می شود رقیب بورژوازی ما چندین گام بلند، از ما جلو بزنند. باتمام توان به پیش رویم! یک لحظه نیز فراموش نکنیم که ما زنان و مردان کمونیست، می خواهیم زنان میهنمان را برای یک انقلاب اجتماعی بسیج کنیم، تنها انقلابی که راهائی زن رانیز با خود به ارمغان خواهد آورد. ●

(۱) منتخب آثار ۶ جلدی اسفند به آلمانی، ج ۲، ص ۲۵۱
(۲) منتخب آثار تک جلدی به فرانسوی، ص ۸۲۲
(۳) منتخب آثار ۶ جلدی، ج ۲ ص ۴۶۶

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

مقایسه آماری شهر تهران با شهرهای بزرگ جهان

اطلاعات ۲۶ بهمن - از سوی مرکز آمار ایران، نتایج بررسی آماری مربوط به اطلاعات آماری فرهنگی و اجتماعی ۴۸ شهر از ۱۰۸ شهر بزرگ جهان که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند، منتشر شد. براساس آمار منتشر شده از سوی این مرکز، تراکم جمعیت در شهر تهران در هر کیلومتر مربع ۱۰۵۲ نفر است (سال ۱۳۶۱)، در حالیکه تراکم جمعیت در پکن (با جمعیت بیش از ۹ میلیون نفر) برابر ۵۴۷ نفر می باشد (سال ۱۳۵۹)، بدین ترتیب تراکم جمعیت در تهران قریب به ۲۰ برابر تراکم جمعیت در شهر پکن است.

نسبت مرگ و میر نوزادان به کل کودکان زنده متولد شده در شهر تهران با ۲/۹ درصد ۸ برابر بیشتر از شهر توکیو است.

در زمینه فرهنگی، در شهر تهران تنها ۸ موزه وجود دارد. این در حالی است که شهر توکیو دارای

۱۱۵ موزه می باشد. تعداد کتب موجود در کتابخانه های شهر مسکو، بالغ بر (۵ میلیون جلد، در شهر بخارست (پایتخت رومانی) بیش از ۲۸ میلیون جلد است، حال آنکه کل کتب کتابخانه های تهران تنها ۲۴۲ هزار جلد می باشد.

کنترل همه کارتهای معافیت از خدمت

روزنامه کیهان ۱۹ بهمن طی گزارشی اعلام کرد: "یک باند جاعلین کارتهای پایان خدمت و معافیت در هشتگرد بدام افتاد." براساس این گزارش این باند در ازای دریافت مبالغ هنگفتی کارتهای پایان خدمت جعل می کرده است و تاکنون هزاران کارت پایان خدمت جعلی توزیع کرده است. فرمانده پاستاه ژاندارمری هشتگرد "از کلیه ادارات، ارگانها، نهادها، کسبهها و کارخانجات دولتی در سراسر کشور خواست در صورتیکه کارت پایان خدمت و یا معافیت عمومی و یا کامپیوتری در نزد آنان است جهت تامین و بررسی بیشتر و اطمینان کامل از واحدهای تابعه ژاندارمری، کسب تکلیف گردد تا اصالت کارتها مشخص شود."

از میان دیگر رویدادها

* صدای جمهوری اسلامی، ۱۰ اسفند ماه - مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه ۱۰ اسفند خود، لایحه بیمه بیکاری را تصویب کرد.
* صدای جمهوری اسلامی، ۱۰ اسفند ماه - هیات دولت طی نشست روز یکشنبه ۱۰ اسفند خود، مبلغ ۱ میلیارد ریال را به "واحد مهندسی" چباد سازندگی اختصاص داد. لازم به یادآوری است که این واحد جهاد سازندگی در خدمت سنگراسازی و دیگر اقدامات مربوط به جبهه های جنگ قرار دارد.
* به گزارش صدای جمهوری اسلامی (۱۰ اسفندماه) آیت الله منتظری طی پیامی برای روحانیت شیعه لبنان خواستار "مجازات" کسانی شد که به ادعای او، دست به کشتار حزب اللهی ها زده اند.
* اطلاعات ۲۵ بهمن - حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور رژیم با کلیات پاتانی، نجفی مرعشی، منتظری و مشکینی ملاقات کرد و گزارشی از مسائل جاری کشور به آنان ارائه کرد. روزیکشنبه ۱۰ اسفند نیز رسا اعلام گردید که رفسنجانی در قم با منتظری ملاقات و مذاکره کرد. دیدار پیشین این دو هنگام پخش نوار تلویزیونی مهدی هاشمی صورت گرفته بود.

دانمارک

چشم‌های باشکوه سالروز تولد سازمان و حماسه سیاه‌مکل، در روزهای ۱۸ و ۲۵ بهمن در دو شهر آرهوس و کپنهاگ و با شرکت گسترده ایرانیان، نیروهای مترقی دانمارک و چندین کشور دیگر برگزار گردید. در زیر گزارش این جشن‌ها از نظر خوانندگان می‌گذرد.

آرهوس

سالروز تولد سازمان، روز ۱۸ بهمن در شهر آرهوس جشن گرفته شد. این جشن که نزدیک به پانصد نفر در

برنامه‌های جشن، با به صحنه آمدن مفرمندان با لباسهای محلی ایران و اجرای رقص دوستی آغاز شد. قرائت پیام‌های همبستگی، اجرای نمایشنامه موزیکال "صلح و جنگ" و سپس اجرای نمایشنامه "خواستگاری در کردستان ایران" توسط مفرمندان گروه رقص "ریبه‌ندان" از



جمله برنامه‌های دیگر این جشن بودند که با استقبال همگانی روبرو شد.

احزاب و سازمانهای بسیاری با ارسال پیام و اعزام نمایندگانی از سوی خود به جشن‌های آرهوس و کپنهاگ که بزرگترین گردهمایی‌های ایرانیان در سال جاری بودند، حمایت همه جانبه خود را از پیکار فداییان در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم اعلام کردند. از آن جمله اند:

- حزب کمونیست دانمارک
- حزب سوسیالیست چپ دانمارک
- حزب سوسیالیست مردمی دانمارک
- سازمان جوانان کمونیست دانمارک
- حزب کمونیست عراق - دانمارک
- حزب کمونیست شیلی - دانمارک
- کمیته دفاع از حزب کمونیست ترکیه - دانمارک
- جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - دانمارک

- جبهه خلق برای آزادی فلسطین - نمایندگی اسکانديناوی

- حزب سوسیالیست کردستان ترکیه - دانمارک

- جنبش انقلابی میر شیلی - دانمارک

- حزب سوسیالیست شیلی - دانمارک

- جبهه متحد چپ شیلی - دانمارک

- حزب سوسیالیست کردستان عراق - طرفدار دموکراسی انقلابی

سرود صلح و آزادی

در جشن‌های شانزدهمین سالگشت تولد فدائیان خلق

هندوستان

گفت: "فداییان در صف مقدم انقلاب برای سرنگونی رژیم شاه بودند". رفیق سورجیت افزود: "ما حمایت همه جانبه خود را از مبارزین فدایی اعلام می‌کنیم."

دومین سخنران رفیق ام. فاروقی دبیر هیئت اجرایی شورای ملی حزب کمونیست هندوستان بود که ضمن اشاره به نقش فداییان در مبارزه علیه رژیم استبداد مذهبی خمینی گفت: "اکنون در ایران یکی از خشن‌ترین و وحشی‌ترین رژیم‌های دنیا حکومت می‌کند. مبارزه فداییان مبارزه مامم می‌باشد." وی بر اتحاد و همکاری نیروهای چپ و دمکراتیک برای تحولات بنیادین آینده تاکید کرد.

دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی و دبیر کمیته مرکزی جبهه پیشروی سراسری هند سخنران بعدی مراسم بودند که همبستگی عمیق خود را با فداییان در پیکار برای آزادی مردم ایران اعلام داشتند.

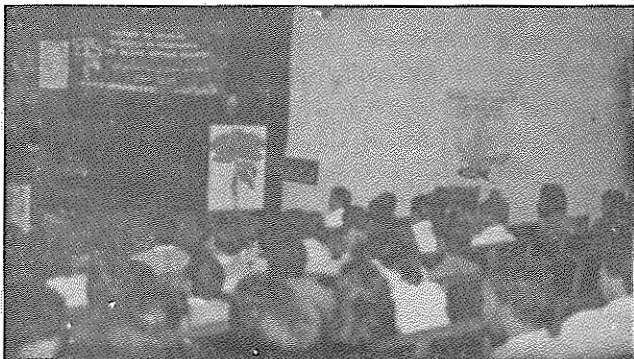
بخش دوم جشن زادروز سازمان در هندوستان شامل برنامه‌های گوناگون فرهنگی و هنری بود. این برنامه‌ها با اجرای چند قطعه شاد و خاطره‌انگیز که در شورای ارگ منعکس بود آغاز شد و با نمایشنامه‌های کمدی "رینگ بوکس" در رابطه با جنایات خمینی و صدام حسین و نقش آمریکادر آن و "دریاچه بوفالو" بر اساس معاملات پنهانی تسلیحاتی خمینی و ریگان ادامه یافت. در میان میهمانان این جشن علاوه بر چهره‌های سیاسی، تعدادی از اساتید دانشگاهها و همچنین مسئولین نمایندگی‌های کشورهای اتحاد شوروی، کامبوج، لاوس، افغانستان و... حضور داشتند.

روز ۲۲ بهمن همزمان با سالگرد انقلاب بهمن، جشن زادروز سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با حضور جمع کثیری از هموطنان ایرانی و میهمانان خارجی برگزار گردید.

در بیرون از سالن محل برگزاری جشن، میز کتاب، نمایشگاه عکس جانباختگان فدایی و نمایشگاه عکس ویرانی‌ها و فجایع جنگ ایران و عراق مورد توجه میهمانان قرار گرفت. سالن محل جشن با طرح‌ها، شعارها و عکس‌های بنیانگذاران سوسیالیسم علمی و تصویر رفیق بهترین جزئی‌ترین یافته بود.

برنامه با خوش‌آمدگویی به میهمانان و اجرای سرود انترناسیونال توسط یک فدایی خلق آغاز گردید. پس از یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد عزیز فداییان جانباخته و دیگر فرزندان بخون خفته مردم یک رفیق فدایی به ایراد سخنرانی درباره تاریخ مبارزات سازمان پرداخت وی در پایان سخنرانی خرد سپاسگزاری فداییان را از همبستگی رزم جویانه همه نیروهای مترقی هندوستان، بویژه حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) بیان داشت. سپس یک فیلم نیم‌ساعته به نام "فداییان و انقلاب بهمن ۵۷" به نمایش درآمد.

اولین سخنران میهمان جشن، رفیق هارکیشان سینگ سورجیت، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) بود که سخنان خود را با تیریکات رفیقانه به فداییان آغاز کرد. وی



بریتانیا

روز ۱۸ بهمن جمع کثیری از هواداران و دستداران سازمان و نمایندگان احزاب کمونیست و انقلابی کشورهای مختلف و نیروهای ترقیخواه بریتانیا در یکی از تالارهای شهر لندن گرد آمدند تا شانزدهمین سالگشت حضور انقلابی و رزمنده فداییان خلق در مبارزه برای رهایی کارگران و زحمتکشان از بند ستم طبقاتی را جشن بگیرند.

مراسم جشن با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام فداییان شهید و سپس اجرای سرود فدایی توسط گروه کر آغاز شد. بدنبال آن متن کوتاهی درباره مبارزات سازمان از آغاز تا امروز خوانده شد و در ادامه، چند قطعه موسیقی ایرانی اجرا گردید.

حزب کمونیست بریتانیا از جمله احزابی بود که بدین مناسبت پیامی ارسال کرد. در این پیام خطاب به فداییان خلق آمده است: "ما بخوبی از اقدامات و وحشیانه و سرکوبگرانه رژیم و شرابطفوق دشاوری که سازمان شاداران مبارزه را پیش می برد واقفیم... در پیام حزب کمونیست بریتانیا از مبارزه فداییان برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و سرنگونی رژیم ضد خلقی خمینی پشتیبانی شده است."

فیلیپین

بمناسبت ۱۹ بهمن به کوشش هواداران سازمان در فیلیپین، مراسمی در گرامیداشت ۱۶ سال مبارزه انقلابی فداییان خلق در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم، در شهرمانیل برگزار گردید.

حضور میهمانان برجسته ای از حزب کمونیست فیلیپین و دیگر نیروهای انقلابی این کشور در مراسم مانیل، جلوه های تابناکی از پیوندهای رزمجریانه را بازتاب می داد. مراسم این روز با قرائت بیانیه هواداران سازمان در فیلیپین آغاز شد که با استقبال شرکت کنندگان مواجه گردید. در پی آن یک رفیق هوادار حاضر را در جریان اوضاع ایران طی سال گذشته قرار داد. سپس نماینده حزب کمونیست فیلیپین پیام کمیته مرکزی این حزب به فداییان خلق در فیلیپین را خواند. در این پیام بر "همبستگی مبارزاتی بین سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب کمونیست فیلیپین" تاکید گردید.

سخنرانان این جشن نمایندگان حزب توده ایران، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست عراق و کنگره ملی آفریقا در بریتانیا بودند که در سخنرانی های خود ضمن محکوم کردن سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی، نبرد فداییان خلق برای تحقق خواستهای صلح طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت پژوهانه مردم ایران را مورد پشتیبانی قرار دادند. در فواصل سخنرانی ها گروه های هنری ایرانی و خارجی منجمله گروه موسیقی کنگره ملی آفریقا فضای جشن را لبریز از شور انقلابی و امید به فردای پیروزی کردند.

به مناسبت برگزاری جشن سالگشت بنیانگذاری سازمان از سوی حزب کمونیست جدید بریتانیا، حزب مترقی خلق گایانا، شورای صلح بریتانیا، شورای همبستگی فیلیپین، شورای اتحادیه های کارگری منطقه بریتانیا و کمیته دفاع از حقوق مردم ایران پیامهای شادباشی به برگزار کنندگان جشن ارائه شد.

در این جشن سه نمایشگاه درباره فرهنگ و شیوه زندگی خلق های ایران، پیامدهای جنگ طبلی رژیم و همچنین موقعیت زنان در جامعه ایران، در جوار محل برگزاری مراسم برپا شده بود که مورد توجه بسیار مدعوین قرار گرفت.

سخنرانی های نماینده جنبش صلح فیلیپین، سازمان دمکراتیک جوانان فیلیپین، هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان آزادیبخش فلسطین بخش های دیگری از این مراسم را تشکیل می داد. در این سخنرانی ها سیاست های ضد خلقی و ضد میهنی رژیم خمینی بشدت محکوم شد و سخنرانان همبستگی خود را با سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع اعلام نمودند.

سخنرانی ها در این مراسم با امضای بیانیه ای در همبستگی با خلق ایران نفرت بی گران خویش را از جنایات رژیم فقها اعلام نموده، حمایت خود را از پیکار مردم ایران در راه سرنگونی جمهوری اسلامی بیان داشتند.

در این بیانیه آمده است: "ما اعضا کنندگان، سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی و زندانیان سیاسی و نیز ادامه جنگ ارتجاعی را محکوم می کنیم. ما از دو دولت ایران و عراق می خواهیم که بی درنگ به جنگ پایان دهند."

ژاپن

شانزدهمین سالگرد اعلام موجودیت فداییان خلق روز ۲۱ بهمن در شهر توکیو پایتخت ژاپن با حضور گروهی از ایرانیان مترقی و نمایندگان از نیروهای پیشرو و ضد امپریالیست ژاپن جشن گرفته شد.

در ابتدا پس از اعلام برنامه، شرکت کنندگان در جشن بجاخاستند و به احترام فرزندان به خون خفته خلق برای یک دقیقه سکوت کردند. سپس پیام کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران در حالیکه روح همبستگی انترناسیونالیستی سراسر سالن جشن را فرا گرفته بود، خوانده شد و بدنبال آن پیام های همبستگی سازمان مترقی "شیزو - اوندو"، جناح چپ حزب سوسیالیست ژاپن، شورای ضد بسب های اتمی و میدروژنی توسط نمایندگان آنها قرائت شد. در همه

سخنرانی های نماینده جنبش صلح فیلیپین، سازمان دمکراتیک جوانان فیلیپین، هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان آزادیبخش فلسطین بخش های دیگری از این مراسم را تشکیل می داد. در این سخنرانی ها سیاست های ضد خلقی و ضد میهنی رژیم خمینی بشدت محکوم شد و سخنرانان همبستگی خود را با سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع اعلام نمودند.

سخنرانی های نماینده جنبش صلح فیلیپین، سازمان دمکراتیک جوانان فیلیپین، هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان آزادیبخش فلسطین بخش های دیگری از این مراسم را تشکیل می داد. در این سخنرانی ها سیاست های ضد خلقی و ضد میهنی رژیم خمینی بشدت محکوم شد و سخنرانان همبستگی خود را با سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع اعلام نمودند.

سخنرانی های نماینده جنبش صلح فیلیپین، سازمان دمکراتیک جوانان فیلیپین، هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان آزادیبخش فلسطین بخش های دیگری از این مراسم را تشکیل می داد. در این سخنرانی ها سیاست های ضد خلقی و ضد میهنی رژیم خمینی بشدت محکوم شد و سخنرانان همبستگی خود را با سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع اعلام نمودند.

سخنرانی های نماینده جنبش صلح فیلیپین، سازمان دمکراتیک جوانان فیلیپین، هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان آزادیبخش فلسطین بخش های دیگری از این مراسم را تشکیل می داد. در این سخنرانی ها سیاست های ضد خلقی و ضد میهنی رژیم خمینی بشدت محکوم شد و سخنرانان همبستگی خود را با سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع اعلام نمودند.

این پیام ماعقیق ترین احساسات دوستی با فداییان و انزجار از رژیم پلیید خمینی موج می زد.

ادامه جشن با سخنرانی های نماینده انجمن دوستی ژاپن - افغانستان و یکی از اعضای رهبری سازمان "کشتی صلح" که بخشی از جوانان صلح دوست و دمکرات ژاپن در آن گرد آمده اند، همراه بود. سخنرانان ضمن محکوم کردن سیاست های جنگ افروزانه و ضد دمکراتیک ارتجاع حاکم بر ایران خواهان برقراری فوری صلح و آزادی زندانیان سیاسی میهن ما شدند.

بخش بعدی برنامه جشن در پی یک وقفه نیمساعته با پرسش و پاسخ در باره تاریخچه سازمان و مواضع کنونی آن ادامه یافت.

جشن فداییان خلق در ژاپن با امضای متنی در اعتراض به ادامه جنگ و اختناق در ایران پایان یافت.



صحنه ای از جشن بزرگداشت شانزدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان در ژاپن

برنامه جشن را تشکیل می داد. وی در سخنرانی خویش پشتیبانی حزب خود را از مبارزات مردم ایران اعلام کرد و بر همبستگی حزب کمونیست بلژیک با فداییان خلق تاکید ورزید.

در مراسم پیامهای هواداران حزب توده ایران - بلژیک، حزب کمونیست عراق - بلژیک، حزب کمونیست شیلی - بلژیک و حزب کمونیست ترکیه - بلژیک نیز قرائت گردید.

در بخش هنری جشن شانزدهمین سالروز تولد فداییان خلق در بلژیک آوازهایی از شیلی، ترکیه و سرودهایی از ایران خوانده شد.

این جشن با قرائت تاریخچه سازمان و امضای اعتراضیه ای از سوی احزاب شرکت کننده پایان یافت. متن اعتراضیه مزبور در همین شماره نشریه به چاپ رسیده است.

بلژیک

روز یکشنبه ۲۶ بهمن شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با حضور جمعی از هواداران سازمان و ایرانیان مترقی و میهمانان خارجی در محیطی سرشار از احساسات میهن پرستانه و انترناسیونالیستی برگزار شد.

برنامه این جشن با خوشامدگویی به میهمانان و اجرای سرود انترناسیونال آغاز گشت. سپس پیام سازمان بمناسبت ۱۹ بهمن بزبان های فارسی و فرانسوی قرائت شد که با استقبال حاضرین روبرو شد. سخنرانی نماینده حزب کمونیست بلژیک بخش دیگری از



"اکثريت" در شماره‌های اخير خرد با درج مقالاتی، جنبه‌هایی از روند نوسازی زندگی در اتحاد شوروی را بازتاب داده است. برای دستیابی به درک روشن‌تری از این روند و اهمیت آن، در این شماره بخشهایی از مصاحبه روزنامه "عصر ما"، ارکان حزب کمونیست آلمان را با پروفیسور وادیم زاگلا دین، عضو کمیته مرکزی و معاون اول شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش) درج می‌کنیم.

بخشهایی از مصاحبه وادیم زاگلا دین، عضو کمیته مرکزی و معاون اول شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی با روزنامه "عصر ما"،

همی خواهیم از امکانات سوسیالیسم منظور کامل بهره‌گیری

* آیدار پلنوم ژانویه ح. ک. ا. ش چرخش به

وقوع پیوست؟

** آری و نه. باید این پلنوم را در چارچوب کلی‌تری دید. پلنوم آوریل ۱۹۸۵ مهمترین وجوه سمت‌گیری سیاست نوین را که متوجه تکامل بخشیدن به سوسیالیسم و تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی کشور است، تدوین کرد. کنگره ۲۷ استراتژی شتاب بخشیدن به رشد راتصویب و مهمترین وظایف را برای برنامه پنج‌ساله و نیز برای دوره زمانی تا سال ۲۰۰۰ تعیین نمود. پلنوم ژانویه، روشهای تحقق این استراتژی را تعیین کرد.

همانگونه که گارباچف در مصاحبه مطبوعاتی خود در مسکو گفت، وظیفه پلنوم این بود که نئوری و سیاست نوسازی را تدوین کند. در این رابطه، بیشترین اهمیت را تکامل دگرگونی در اقتصاد، در سیاست و در خود حزب دارد.

وظایف بسیار مبرم

* چرا مسئله فعال کردن انسانها، مسئله

دگرگونی امروز با این تاکید مطرح شده است؟

** زیرا در برابر همه بشریت و در برابر خلق ما وظایف بسیار مبرمی قرار دارند. سخن بر سر آن است که در وهله اول خطر کاملا واقعی نابودی بشریت دفع شود. سخن بر سر آن است که نظام مناسبات بین‌المللی با ساختار نوین جامعه جهانی که به تدریج شکل گرفته است، تطبیق یابد. سخن بر سر توجه به امکانات و چشم‌اندازهایی است که بر اثر انقلاب علمی-فنی گشوده می‌شوند. و بالاخره سخن بر سر حساب آوردن نیازها و خواستههای نوین انسانها و تضمین بسیار گسترده تر حقوق آنها، که البته حق زندگی در راس آن قرار دارد، است.

* در کشور ما (آلمان فدرال) اغلب این تصور

ترویج می‌شود که پلنوم ژانویه نوعی تسویه حساب با گذشته بوده است.

** این، بی‌ربط است. هدف ما به هیچ عنوان تسویه حساب نیست، نه با افراد و نه به طور کلی با گذشته. هدف ما اجرای وظایف حال و آینده است. اما برای تعیین راه آینده می‌بایستی آنچه در سالهای گذشته انجام شده بود، دقیقا تحلیل می‌گردید. در

فاکتها درست می‌گفته‌اند. اما به هیچ وجه همه چیزهایی که منتقدین در آن زمان درباره ما می‌گفتند، درست نبود. بسیاری از آنها، حقیقت را واژگونه جلوه می‌داد. به ویژه نتیجه‌گیریهایی که می‌کردند، نادرست بوده و هستند، قبل از همه این نتیجه‌گیری که سوسیالیسم شکست خورده و ناموفق از کار درآمده است. سوسیالیسم به هیچ وجه شکست نخورده است، بلکه دقیقا سوسیالیسم است که به ما امکان می‌دهد به مسائل موجود پرداخته و با کامهای استوارپیش روییم.

* چه‌رو روند دگرگونی‌ها کردن که ح. ک. ا.

ش در پیش گرفته است، چیست؟ آیا این بدان معناست که دگرگونی سوسیالیستی تاکنون در اغلب موارد تنها روی کاغذ وجود داشته است؟

** دگرگونی سوسیالیستی در کشور ما بطور قطع تا زکی ندارد و مانند هر چیز دیگری رشد تاریخی خود را طی کرده و یک روند است.

تردید نیست که از همان هنگام انقلاب اکتبر در کشور ما یک نظام دموکراتیک نوین، نظام سوسیالیستی، ایجاد شد که بر اصول مشارکت همگان در امور دولت استوار است و دارای کیفیت دیگر و بالاتری در قیاس با دگرگونی بورژوازی است. در این مقایسه تنها کافی است مناسبات مالکیت و قدرت را در نظر بگیریم.

اما روشن است که خصلت و نیز موازین بکارگیری این یا آن معیار دموکراتیک در زمانی که مثلا جامعه در اکثریت خود از انسانهایی تشکیل می‌شد که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند با زمان حاضر که تقریبا همه کارکنان تولید دارای تحصیلات متوسطه و عالی هستند، باید متفاوت باشد. همچنین روشن است که موازین و خصلت تحقق معیارهای دموکراتیک در سالهای جنگ و دوره بازسازی پس از جنگ و دوره حاضر، که دوره تحول طولانی صلح آمیز است نیز باید بایکدیگر متفاوت باشد.

در حال حاضر در کشور ما شرایط گسترده‌ای برای تعمیق اساسی اصول دموکراتیک ما ایجاد شده است، شرایطی که به وجود تحصیلات عمومی، فرهنگ جامعه و از جمله فرهنگ سیاسی، و نیز پیش شرطهای اجتماعی مربوط می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۲

چارچوب این تحلیل ما در وهله اول نتایج مثبت عظیمی را که در گذشته به دست آمده است، مورد تاکید قرار می‌دهیم. تنها ظرف هفت دهه دولت ما از یک کشور عقب مانده در رشد خود، به دومین قدرت صنعتی جهان تبدیل شد. در ۲۵ سال گذشته نیز در رابطه با حل مسائل اقتصادی و نیز مسائل سیاسی راهی طولانی طی شد. ما به آنچه کرده‌ایم مباحث می‌کنیم، مثلا به این که در سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۵، درآمد ملی چهار برابر و تولید صنعتی پنج برابر گردید.

در عین حال ما به هیچ وجه به آنچه کرده‌ایم، اکتفا نمی‌کنیم. ما می‌بینیم که در دوره اخیر، به ویژه در سالهای هفتاد، در حل یک سلسله مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی عقب مانده‌ایم. در اتخاذ تدابیری برای تکامل بخشیدن به ساختار اقتصاد و روشهای مدیریت آن در انطباق با الزامات انقلاب علمی-فنی کوتاهی شد. ما نتوانسته‌ایم توان بالقوه نظام سیاسی سوسیالیسم را به طور کامل به کارگیریم و نشان دهیم. در نتیجه، در آستانه آغاز دهه ۸۰ آهنگ پیشرفت کشور ما کند شد.

* اما با وجود ارزشی که برای دستاوردها فائول

می‌شوند، در حال حاضر این انتقاد است که در مباحث عمده شده است...

** برای این امر دو دلیل وجود دارد.

نخستین علت آن، این است که ما بدون یافتن ریشه‌ها و خصلت مسائل موجود با دقت مطلق، نمی‌توانیم بر آنها چیره شویم. البته باید تاکید کرد هر عنصر ارزیابی انتقادی ما همراه با نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها، مشخصی است که هدف آن غایب بر مشکلات ایجاد شده است.

علت دوم، آن است که ما در آینده نیز اگر نتوانیم انتقاد و انتقاد از خود را در بررسی همه اعمال خود در جامعه به کرسی بنشانیم و تحکیم کنیم، با موفقیت پیش نخواهیم رفت. در برخورد نقادانه است که تضمین عدم تکرار اشتباهات گذشته نهفته است. ما انتقاد و انتقاد از خود و علینیت را مهمترین شیوه‌ها برای افزایش بازدهی سیاست خود می‌دانیم.

* منتقدین بورژوازی اتحاد شوروی امروز

می‌گویند: پس مادر گذشته حق داشتیم...

** خوب، ممکن است در نشان دادن برخی

زن در مذاهب

آگوست ببل، رهبر برجسته جنبش کارگری آلمان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در کتاب مشهور خود بنام "زن و سوسیالیسم" که بی‌تردید یک اثر مهم کلاسیک مارکسیستی در باره مسئله زنان است، فصلی را به بررسی مقام و موقعیت زن در مذاهب مختلف اختصاص داده است. از جمله، ببل مقام زن را در مذاهب یهودی و مسیحی بررسی می‌کند. در مطالعه جایگاه زن در اسلام، توجه به برخورد مذاهب مزبور به زنان حائز اهمیت است، زیرا قوانین، آداب و سنن اسلامی بطور عمده ریشه در دین و مذهب یهودی و مسیحی دارد و با تلفیق عناصری از این دو مذهب با میراث اقوام عرب شکل گرفته است. از این رو بخشی از کتاب "زن و سوسیالیسم" ببل را که به نقش زن در مذهب یهودی و مسیحیت می‌پردازد، در زیر می‌آوریم.

... مسیحیت برای زن ثمر نیکی به بار نیارود. در آموزشهای مسیحیت همان تحقیر زن که در همه مذاهب شرق وجود دارد، دیده می‌شود. مسیحیت به زن دستور می‌دهد فرمانبر مطیع مرد باشد. امروز نیز زن باید در برابر محراب سوگند فرمانبرداری از مرد را ادا کند.

ببینیم تورات و انجیل و مسیحیت در باره زن و ازدواج چه می‌گویند.

ده فرمان عهد عتیق تنها خطاب به مرد است. در فرمان نهم، زن همراه با خدمتکاران و حیوانات خانگی مورد اشاره قرار می‌گیرد. به مرد هشدار داده می‌شود که مبادا چشم طمع به زن، شوکر، کلفت، گاوشر، خروسایر اموال مرد دیگر بدورزد. بنا بر این، زن یک شیئی و مالی است که هرگاه در اختیار مردی باشد، مرد دیگر نباید بدنبال دست یافتن به او باشد. عیسی پیرو فرقه‌ای بود که خویشتن‌داری اکید و خود عقیم‌سازی پیشه می‌ساخت. ... پاولوس، که حتی می‌توان بیش از عیسی او را بنیانگذار مسیحیت

نامید، کسی که به مذهب مسیح خصلت بین‌المللی داد و آنرا از چارچوب محدود فرقه‌گرایی یهود بیرون آورد، برنامه‌ای به فرناطه می‌نوید: "در باره آنچه به من نوشته بودید، چنین پاسخ می‌دهم: برای انسان، نیک آن است که هیچ زنی را لمس نکند. اما به خاطر وجود فحشاء، بگذار هر مرد، زن خود را و هر زن، مرد خود را داشته باشد. ... ازدواج، امری پست است، زن خواستن خوب است، زن نخواستن بهتر است. ... روح خود را دگرگون سازید و در برابر آمال جسم مقاومت کنید. جسم دشمن روح و روح دشمن جسم است. ... این نفرت از جسم، نفرت از زن، و در عین حال هراس از زن است، زنی که او را بعنوان فریب دهنده مرد نشان می‌دهند (رجوع کنید به داستان بیرون راندن آدم از بهشت). آموزش حواریون و بنیانگذاران کلیسا با همین روح بود. بر عملکرد کلیسا در قرون وسطی همین روح حاکم بود. کلیسا بود که صومعه‌ها را به وجود آورد و ازدواج را برای کشیشان ممنوع کرد. کلیسا هنوز طبق همین روح عمل می‌کند.

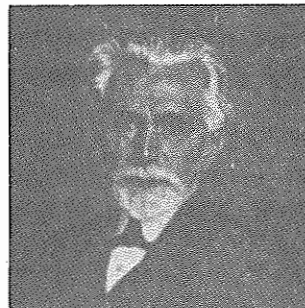
زن در مسیحیت ناپاک است، حيله‌گری است که بنیان‌گناه را در

جهان گذاشت و مرد را به خاک سیاه نشاند. از این رو حواریون و پدران کلیسا به ازدواج همواره به مثابه یک سیه‌روزی ناگزیر می‌نگریستند، یعنی با همان دیدی که امروز در باره فحشاء وجود دارد. ترتولیان می‌گوید: "ای زن، تو همواره باید عزادار باشی و لباس ژنده بپوشی، چشمانت باید پر از اشک و نگاهت مملو از پشیمانی باشد، تا گناه تو در بدبخت کردن نسل بشر فراموش گردد. ای زن، تو دروازه جهنمی! "و نیز: "باید بی‌زنی پیشه ساخت، حتی اگر نسل بشر منقرض گردد." هیرونیوموس می‌گوید: "ازدواج همواره یک گناه است. تنها کاری که می‌توان کرد، این است که از بابت این تقصیر عذر خواست و کفاره آن را داد. ... اوریشن می‌نویسد: "ازدواج امری نامقدس و ناپاک و ابرار گناه است." خود او برای مقاومت در برابر رومه، خود را عقیم ساخت. ... می‌توان صدها نقل قول دیگر از پر نفوذترین آموزگاران کلیسا برشمرد که همگی در همین جهت آموزش می‌دهند. پدران کلیسا با آموزشها و موعظه‌های خود، نظراتی در باره مسائل جنسی و رابطه دو جنس رواج دادند که با طبیعت مغایرت یافته در صفحه ۱۴

آگوست ببل

واثر بزرگش

"زن و سوسیالیسم"



آگوست ببل (متولد ۱۸۴۰ در کلن آلمان، متوفی به سال ۱۹۱۳ در پاسوک سوئیس) از مهم‌ترین رهبران سوسیال دموکراسی انقلابی اروپا بود. وی در طول بیش از چهار دهه، با فعالیت خویش تاثیر عمده‌ای در گسترش نفوذ حزب سوسیال دموکرات آلمان و تبدیل آن به یک حزب توده‌ای مارکسیستی در اواخر قرن نوزدهم داشت.

ببل از سالهای جوانی که به کارگری اشتغال داشت، با رهبران برجسته سوسیال دموکراسی مانند ویلهلم لیبنکنشت آشنا شد و به مطالعه آثار مارکس و اتکنس پرداخت. او در سال ۱۸۶۶ به "سازمان بین‌المللی کارگران" (بین‌الملل اول) پیوست و در سال ۱۸۶۷ نخستین کارگری بود که

به عضویت پارلمان شمال آلمان انتخاب شد. وی از ۱۸۸۱ تا ۱۸۹۰ عضو پارلمان ایالت ساکسونی بود. ببل در سال ۱۸۶۷ به ریاست "اتحادیه انجمن‌های کارگری آلمان" برگزیده شد. وی در مبارزه با طبقه حاکم و علیه لاسالیانیسم (جریان مخالف مارکسیسم در جنبش کارگری) ضرورت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر را دریافت و به اتفاق ویلهلم لیبنکنشت حزب سوسیال دموکرات کارگران را بنیاد گذاشت. این حزب در سال ۱۸۶۹ ملی‌کنگه‌ای در ایزناخ تشکیل شد.

پس از ممنوع شدن فعالیت سوسیالیستها توسط بیسمارک، ببل خدمات بزرگی در سازماندهی فعالیت سوسیال دموکراتها و به کرسی نشاندن

استراتژی و تاکتیک انقلابی در جنبش کارگری آلمان انجام داد. وی در نطق‌ها و مقالات خود میلیتاریسم را به زیر شلاق انتقاد می‌گرفت و موضع طبقه کارگر را در قبال جنگ و "دفاع از میهن" که بورژوازی پرچمدار آن بود، تشریح می‌کرد. ببل به علت فعالیت سیاسی خود، در مجموع به ۵۷ ماه زندان محکوم شد.

آگوست ببل یک نماینده برجسته پارلمان، یک سازمانده و سیاستمدار بزرگ و در عین حال مدافع فرزانه و پرشور جهان‌بینی مارکسیستی بود. وی در غنی‌تر کردن این جهان‌بینی نقش موثری داشت.

ببل در بکارگیری درک ماتریالیستی از تاریخ در تبیین پدیده‌ها در عرصه‌های مختلف کوشش پرشماری انجام داد. برخی از این عرصه‌ها عبارتند از: رابطه فرد و جامعه، توده‌ها و شخصیت‌ها در تاریخ، قانونمندی تحول اجتماعی، تشریح ریشه‌های اجتماعی و عملکردهای سیاسی ایدئولوژی‌های مختلف در جامعه بشری و نقد تاریخ نویسی، فلسفه و مذهب به مثابه اجزای ایدئولوژی ارتجاعی بورژوازی.

ببل نخستین اندیشه‌پرداز

مارکسیست بود که نقش زن را در صورتبندی‌های گوناگون اجتماعی در پیوند با یکدیگر و برپایه ماتریالیسم تاریخی بررسی و تشریح کرد. اثر بزرگ ببل به نام "زن و سوسیالیسم" حاصل این کار پژوهشی است.

کتاب "زن و سوسیالیسم" از هنگام انتشار (۱۸۷۹) تا مرگ ببل ۵۰ بار به زیر چاپ رفت و پس از اونیز به مثابه یک اثر مهم مارکسیستی بارها تجدید چاپ شده است.

فصل‌های مختلف کتاب "ببل" که به بررسی تاریخی نقش زن در ادوار گوناگون می‌پردازد عبارتند از: نقش زن در جامعه اولیه، مبارزه میان مادرسالاری و پدرسالاری، مسیحیت، زن در سده‌های میانه، فرماجیون، قرن هجدهم. بخش دیگر کتاب "زن در زمان حاضر نام دارد و شامل این فصل‌هاست: زن به مثابه یک جنس، ازدواج امروزی، تلاشی خانواده، خانواده به مثابه نهاد اقتصادی، چشم اندازهای ازدواج، فحشاء به مثابه نهاد اجتماعی اجتناب‌ناپذیر جهان بورژوازی، موقعیت شغلی زن، مبارزه زن برای تحصیل و موقعیت حقوقی زن.

روزی تو باز خواهی گشت

سرفراز...

این روزها گذراند این روزهای تلخ توطئه تکرار این روزها که مثل ابر سنبورن افسرده در جسد یائسگی هاست این روزها گذراند روزی تو باز خواهی گشت سرفراز ای دانه از سبز بهار! - ای سبزگزار! روزی تو باز خواهی گشت از شهرهای دور اساطیری هزاره با توائل فریاد های خفته و غوغین و سار صدای آمدن ترا تا دور دشت های فراموش می سرد روزی تو باز خواهی گشت با کوله باری از نظر کیلاهای سرخ با کوله باری از بوی لاله های پریشان - که از تبار ناشق لیلای هاست - روزی تو باز خواهی گشت سرفراز روزی که آنتاب از شرق چشمهای تو چاربست این روزها گذراندند این روزهای بند بند این روزهای شوم ... ۲ این ساره ساره چیت؟ این چیت؟ چیت که اینگونه می شکند بر خاک؟	آه ... این قلب سرزمین شست که ویرانست این باره با ر . قلب تکه تکه ایران اینکه شکفته میشود اینگونه روی خاک خون شهید و عاصی "میرزا" ست ... ای "کوچک" بزرگ! ای حجم استواری و شورش! ای روح سرخ جنگ بیدار! اینک تو از "سیا" ... *	(- که آستان کوچه روشن را در هیبت طنین گامهای تو خواهد ریخت . و آنگاه شکل زنتور شور و شادی در شوکت غریب خیابان ها ... ای ارتفاع عاطفه! ای دوست! در این شبان مرثیه در این شبان هول در این خراب غفنه و خاموش (- که از زمین رنگین گمان روشن دستانت را بر این عقیق تیره بر افسراز و آن هیأت غجسته و بالا را در رهگذر بار رها ساز . ۴ ای ارتفاع عاطفه! ای دوست! ای رکعت بزرگ! باید نماز آخرمان را در درج یا فسرات در بلخ یا تشابره بگزاریم (و شاید هم - در رود بار خشم خروشان خونمان ...) در رود بار خشم خروشان خونمان اینک طنین بانگ موذن : " حی! الی السلاخ " * آنک نماز آخر در درج یا فسرات یا ... ای دوست!	ای رکعت بزرگ! ای واژه واژه واژه ی خون رنگ! در توجّه جذبه ایست؟ در توجّه جذبه ایست که خوشبخت هر باسداد بدان رشک می برد؟ ۵ ای واژه واژه واژه ی خون رنگ! در لحظه های جاری پیوستن در روزهای سرخ توانستن - بارها - ما غرق گشته ایم در جذبه "همیم" کلامت . ای واژه واژه واژه ی خون رنگ! - انقلاب! ای آخرین کلام ... ۶ ای آرزوی روشن تمیدی! ای سرخ پیوش صبح مبارک! ای آنکه از برای اساطیر خشم خفق قوم مرا فریاد میکی! اینک تو از میان خون و خاطره میآیسی اینک تو از میان جنگل نیرنگ یا از سنجخ خشم "مهاباد" - این سوگوار همیشه این یابیدار بریش- ۷ این روزها گذراندند این روزهای سخت سنبورن روزی تو باز خواهی گشت روزی تو باز خواهی گشت سرفراز ای دانه از سبز بهار! ای سبزگزار! ... * سیاهکل - در زمان شاه سرتنگون شده این گونه چاپ شده بود .
---	--	---	---

مجدداً به دلیل کمونیست بودن!

مطابق با گزارشات تاریخ ۲۸ ژانویه ۸ نفر فلسطینی در آمریکا دستگیر شده اند. دستگیر شدگان از چند ماه پیش، تحت نظر مامورین اف-بی-آی بوده اند. تلویزیون ان-بی-سی در اخبار ساعت ۲۳ روز ۲۸ ژانویه "جرایم" زبیر را برای دستگیر شدگان شمرد:
- اعتقاد به کمونیسم جهانی
- توطئه برای براندازی دولت آمریکا (!)
- عضویت در سازمان کمونیستی
- پخش تشریفات کمونیستی و مجدداً داشتن افکار کمونیستی

زبیر یا گذاشتن شرایط اخذ ویزا از آمریکا، چرا که دستگیر شدگان کمونیست بوده و با ذهن کمونیستی وارد آمریکا شده اند.
در پایان کم مانده است چند بار دیتر در فهرست این جرایم کبیره ذکر کنند که: مجدداً به دلیل داشتن افکار کمونیستی، کمونیست بودن و

این که بالاخره کمونیست هستند. همه جا وضع از این گونه است: ایران، عراق، کره جنوبی، پاکستان، آفریقای جنوبی، آمریکای لاتین و ... در همه جا جرایم یکسان است و بنحو اولی در "مهد آزادی"، چرا که تاج و تخت سرمایه را در خطر می بینند، چرا که نوکران سرمایه اند.

اسقف کلاهبردار و عجز دادستان

برای نخستین بار در تاریخ ایتالیا، حکم بازداشت یک اسقف کلیسای کاتولیک صادر شد. اسقف پل مارچینکوس رئیس بانک واتیکان از جانب دادگستری ایتالیا به علت کلاهبرداری تحت تعقیب قرار گرفته است.

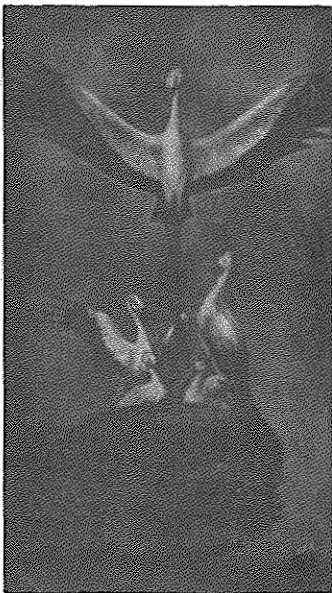
بانک واتیکان که نام رسمی آن "سازمان موسسات مذهبی" است، از سالها پیش در محافل مالی بین المللی به علت معاملات مشکوک و بعضا غیر قانونی این بانک شهرت سویی کسب کرده است. چندی پیش گزارشهایی حاکی از دخالت این بانک در خرید و فروش اسلحه و بورس بازی، در بازار ارز منتشر گردید. ماجرای که به آغاز تحقیقات

دادستانی میلان پیرامون معاملات بانک واتیکان انجامید، ورشکستگی به تقصیر یک بانک در میلان بود. این بانک در پیوند تنگاتنگ با بانک واتیکان، در معاملات بین المللی ارز دست به کلاهبرداری و سرکشیه کردن بانکهای دیگر زده بود. روبرتو کالوی رئیس این بانک در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۲ بطور مرموزی در لندن به قتل رسید. جسد وی را در حالیکه از یک پل حلق آویز شده بود یافتند.

دادستانی میلان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که اسقف مارچینکوس باید در ارتباط با این ماجراهای مافیایی تحت تعقیب قرار گیرد. اما آنجایی که قلمرو واتیکان آغاز می شود، دادگستری

ایتالیا عاجز و ناتوان است. پلیس ایتالیا به منزل اسقف کلاهبردار در رم مراجعه کرد اما وی را در آنجا نیافت. گفته می شود اسقف مارچینکوس در خاک، واتیکان که ۴۴ هکتار وسعت دارد به سر می برد. طبق قراردادهایی که میان واتیکان و دولت ایتالیا منعقد گردیده، پلیس ایتالیا اجازه تعقیب افراد در محوطه واتیکان را ندارد.

پاپ، کاردینال ها و اسقف هایش که طبق ایدئولوژی رسمی کلیسای کاتولیک، کارگزاران خدا بر روی زمین محسوب می شوند، البته بالاتر از قوانین بشری قرار دارند و اگر هم دست به جرایمی نظیر دزدی، کلاهبرداری و حتی قتل بزنند، "دادستان زمینی" در برابر این "مجرمین آسمانی" عاجز و ناتوانند.



تابلری "بالهای مادر" اثر گ. واشچنکو

امتیازات ویژه ای ایجاد کرده اند و حاضر نیستند از آنها چشمپوشی کنند.

ما پنهان نمی کنیم که راهی که انتخاب کرده ایم آسان نیست. اما المینان داریم که از آزمونهایی که در پیش است، سر بلند بیرون خواهیم آمد. ما موفق خواهیم شد، زیرا رهبری حزب و کشور تصمیم راخ دارد کار آغاز شده را ادامه دهد. ما موفق خواهیم شد، زیرا این کار از پشتیبانی همه جانبه مردم برخوردار است. این مردمان که از ما می خواهند پیشروی در این مسیر را تسریع کنیم. ما از این رو موفق خواهیم شد که در کشور ما مبنای مطمئن اجتماعی- اقتصادی ای که به ما امکان چیره شدن بر مسائل موجود را بدهد، وجود دارد.

توصیه به "پلورالیسم"

بهرخی سهاستمداران بورژوازی از روند نوجازی به ثبت خرد استقبال می کنند...
* * * ما با این گونه نظرات از طریق مطبوعات آلمان غربی آشنا هستیم. آنها می گویند مادر صورتی که از مالکیت اجتماعی و برنامه ریزی مرکزی چشم پوشی نکنیم، نخواهیم توانست مسائل خود را حل کنیم. به ما توصیه می کنند "پلورالیسم" پیشه سازیم و یک اپوزیسیون سیاسی ایجاد کنیم. توصیه می کنند از نقش حزب به مثابه نیروی رهبری کننده جامعه دست بکشیم.

ما به هیچ یک از این "توصیه" ها عمل نخواهیم کرد. از یک سوسیالیسم، یعنی مالکیت اجتماعی، اداره متمرکز اقتصاد، دموکراسی ما و نقش رهبری حزب آن عواملی هستند که دستاوردهای عظیم مفتاد سال پس از انقلاب اکتبر را امکان پذیر ساخته اند.

این برای ما بزرگترین درس است، و ما آن را کاملاً به حساب می آوریم. از سوی دیگر معتقدیم سوسیالیسم هنوز به هیچ وجه همه امکانات خود را به بالفعل تبدیل نکرده است. این امکانات، عظیمند، ما وظیفه خود می دانیم به جای آنکه از سوسیالیسم دست بکشیم، آن را تکامل بخشیم و از امکاناتش بگونه ای کامل بهره گیریم.

* * * قرار است کار دستگاه اداری بهبود یابد. فعالیت مادر این رابطه دوست اصلی دارد. دستگاه دولتی باید صرفاً بعنوان ابزار اجرای اراده ارگانهای منتخب قدرت تکامل یابد. از سوی دیگر، باید کنترل از پایین، توسط شهروندان، در مورد فعالیت دستگاه اجرایی تقویت شود. در این رابطه، از جمله، طرح قانونی درباره مسئولیت ارگانهای اداری و ماموران در مورد نقض احتمالی حقوق شهروندان در دست تدوین است.

* * * قرار است علاوه بر این تدابیری جهت گسترش علنیت و بحث عمومی و رشد انتقاد و انتقاد از خود اتخاذ شود. مقررات قانونی بیشتری وضع خواهد شد که از یک سو از همه موارد پیکرد به دلیل انتقاد جلوگیری کند و از سوی دیگر مسئولیت انتقاد کننده را در قبال عادلانه و مستدل بودن انتقاد افزایش دهد.

* * * تغییرات در چگونگی انجام انتخابات در حزب توجه زیادی را به خود معطوف کرد...

* * * تحکیم میانی دموکراتیک در زندگی جامعه باید قبل از همه خود حزب را دربرگیرد. تصمیمات دایر بر تکامل بخشیدن به انتخابات ارگانهای رهبری، بر این امر مبتنی است. رای گیری مخفی تا پیش از این نیز در حزب ما انجام می گرفت، اما نه در همه سطوح. از این پس رای گیری در همه سطوح مخفی خواهد بود.

* * * در اینجا مطالب بسیاری درباره مقاومت علیه مشی نوین می خوانیم. آنها چنین مقاومتی وجود دارد؟

* * * ما به صراحت می گوئیم که چنین مقاومتی وجود دارد. سخن بر سر مبارزه ای سیاسی نیست، زیرا هیچ کس در کشور ما نمی خواهد قدرت شوری را از میان بردارد. اما کسانی وجود دارند که نمی خواهند به شرایط جدید عادت کنند. کسانی هستند که بر آنها عادت ها و کرایشهای محافظه کارانه حاکم است. و بالاخره هستند کسانی که برخلاف قانون برای خود

می خواهیم از امکانات...

بقیه از صفحه ۱

از سوی دیگر حل مسائلی که اکنون جامعه با آن مواجه است و به هیچ عنوان ساده نیست، بدون ادامه رشد دموکراسی سوسیالیستی غیر ممکن است. آن اشکال و شیوه های اعمال قدرت خلق که مشخصه دوره های گذشته در رشد کشور ما بود، دوره هایی که در آن اصل هدایت متمرکز می بایستی بر اصل دموکراسی مقدم شده می شد، امروز کفایت نمی کند. حداکثر دموکراسی نه صرفاً یک شعار، که جوهر دگرگونی است.

تحقق موفقیت آمیز برنامه همه جانبه ما تنها زمانی ممکن است که گسترده ترین مشارکت زحمتکش در امور تضمین شده باشد. دقیقاً از همین رویلنوم ژائویه نیروی خود را بر تدوین نظامی از اقدامات متمرکز کرد که هدف آنها کمک به گسترش دموکراسی سوسیالیستی و تعمیق خودگردانی خلق است. هدف ما دستیابی به مشارکت بسیار فعالتر و غیر صوری شهروندان در تصمیم گیری پیرامون همه مسائل زندگی جامعه است.

گسترش دموکراسی

پلنوم، این تدابیر را برسی و تصویب کرد:

* دموکراسی در عرصه تولید با بکارگیری خودگردانی تعمیق خواهد یافت. طرح قانون موسسات دولتی که اینک منتشر شده است، از جمله پیش بینی می کند که به کلکتیوهای کار و شوراهای آنها اختیارات همه جانبه ای داده شود. از این پس مدیران موسسات در همه سطوح انتخابی خواهند بود.

* * * قرار است تکامل بخشیدن به نظام انتخابات به مورد اجرا گذاشته شود. هدف، دادن این امکان به انتخاب کنندگان است که با بازدهی بیشتری در روند انتخابات، یعنی در تمام مراحل آن، شرکت جویند. هدف همچنین آن است که امکان انتخاب میان چند نامزد به وجود آید.

زن در مذاهب

بقیه از صفحه ۱۱

دارد... جامعه امروز هنوز به سختی از این آموزشها رنج می برد و زخمهای ناشی از آن رانوزمد اوانکرده است. بطروس با تاکید می گوید: "ای زنان، از مردان خود اطاعت کنید... مرد، سرور زن است، همانگونه که مسیح، سرور کلیسا است... زنان شما باید در جمع سکوت پیشه کنند، زیرا آنها را نباید رخصت تکلم باشد. آنان می گویند... به زنان برآورده نیست که در جمع سخن بگویند." توماس آکین مقدس (از بزرگترین نظریه پردازان کلیسای کاتولیک که از ۱۲۲۷ تا ۱۲۷۴ میلادی می زیست) می گوید: "زن، علف هرزی است که به سرعت رشد می کند. زن انسان ناکاملی است که بدن او تنها از این روزودتر به رشد کامل می رسد که کم ارزش تر است و طبیعت کمتر به آن می برد از... زنان زاده می شوند تا همواره در زیر بوع آقا و صاحب خود باشند، اربابی که طبیعت با برتری ای که از هر جهت به مرد اعطا کرده، او را بر زن تسلط بخشیده است."

چنین آموزشهایی تنها مختص مسیحیت نیست. همانگونه که مسیحیت آمیخته ای از مذهب یهود و فلسفه یونانی است و همانگونه که هر دو ریشه در تمدنهای قدیمی ترهند، بابل و مصر دارند، موقعیت پست تری که مسیحیت برای زن قائل بود نیز در تمامی جهان تمدن پس از پایان مدارسلاری وجود داشت. مثلا در کتاب قانون مانوی هند آمده است: "ریشه بی شرافتی زن است، سرچشمه دشمنی زن است، علت زندگی دنیوی زن است. پس باید از زن اجتناب کرد." علاوه بر تحقیر زن، هراس از زن به گونه ای بسیار ابتدایی بازتاب می یابد، مثلا در همان کتاب مانو آمده است: "زنان بنا بر طبیعت خود میل به فریفتن مردان دارند. از این رو یک مرد نباید حتی با نزدیکترین خویشان خود در یک مکان بنشیند." بنا بر این، زن طبق عقاید مذهبی هند، عهد عتیق و مسیحیت، فریبکار است. هر مناسبات سلطه جویانه ای، همراه با تحقیر آنهایی است که تحت سلطه اند.

اینکه موقعیت زن امروز بهتر از هنگام پیدایش مسیحیت است، ریشه اش در مسیحیت نیست. مسیحیت تنها به ناکزیر و به سختی از موضع واقعی خود در مورد زن عقب نشست.

جمهوری اسلامی، جهنم واقعی زنان

دوران جاهلیت می بایست زن را رها می ساختند. اما پاسداران جانی با بیل به جان او افتادند و سرش را به دو نیم کردند.

انبیوه بی شمار زنانی که همسرانشان در جنگ کشته شده اند و با به دست رژیم اعدام گشته اند. زندگی عمار و سختی را می گذرانند. یک زن روستایی که به تهران مهاجرت کرده و شوهرش در جنگ کشته شده بود را دیدم که با بچه ای در بغل زار زار گریه می کرد و می گفت چتونه باید زندگی خودم و این بچه را بگذرانم. شوهرش یک کارگر ساده بود. مسؤلین بنیاد شهید به اومی گفتند چون ازدواج شما ثبت نشده است، بولی به تر تعلق نمی گیرد. آنهایی نیز که مقرری ناچیزی دریافت می دارند نیز گذران سختی دارند. فقدان عزیز از دست رفته شان در کنار شرایط سخت زندگی لیخنند شادی را از لبانشان محو ساخته است.

زن در مبارزه با رژیم

در همه عرصه های نبرد علیه رژیم خمینی زنان دوشادوش مردان و پیشاپیش مبارزه گام برمی دارند. در صف های ملویل خواربار و اوراق عمومی از سوی زنان بیشترین افزایشهای علیه جمهوری اسلامی صورت می گیرد. اکنون صف ها بصورت تشکلهایی درآمده اند که بحث های سیاسی و اجتماعی در آنها به کسرتدگی انجام می یابد. در محله زنان دور هم جمع می شوند و در مورد مسائل جنگ، نیروهای سیاسی، آخوندها و تکبیت آنها که گریه بانگر مردم شده است صحبت می کنند.

در ادارات و کارخانه ها نیز زنان همراه مردان و دوش به دوش آنان مبارزه می کنند. بطور نمونه در اعتصاب ذوب آهن اصفهان یکی از نمایندگان کارگران اعتصابی یک زن بود که در جریان اعتصاب توسط حکومت دستگیر شد. در تظاهرات خلق عرب خوزستان زنان وسیعاً شرکت داشتند و مردان را به شرکت در تظاهرات تشویق می کردند. در اکثر تظاهرات ضد جنگ زنان نقش تعیین کننده ای ایفا کردند. حمله زنان محله کوی نهم آبان به کمیته این محل برای آزادی دستگیرشدگان که به این تظاهرات آن ابعاد گسترده را بخشید نمونه بسیار برجسته ای است. در این میان باید بر نقش مادران و همسران زندانیان سیاسی نیز تاکید نمود. اقدامات آنان تاثیر قاطعی در افشای اقدامات رژیم در قبال فرزندان زندانی مردم داشته است.

بخرج دادند. امام جمعه مزبور بعد اعازم قم شد.

فقر و نیاز مالی و شرایط ایجاد شده توسط جمهوری اسلامی نمونه های متعددی از حوادث ناگواری همچون قتل زنان و دخترانی را باعث شده است که در پی برخوردهای متعصبانه بستگان آنان پدید آمده است. در شیراز جسد دختری که در پتو پیچیده شده بود در کنار خوابگاه جنگ زدگان پیدا شد. در کمپ جنگ زدگان ماهشهر چندین مورد جسد بیجان ویا سر بریده دخترانی یافت شد که توسط بستگان خود بقتل رسیده بودند.

رژیم وسیعاً فساد و فحشای رسمی را گسترش می دهد. بارها مسؤلین حکومت از مراکز رسمی صیغه و ضرورت مراجعه زنان بی سرپرست به این مراکز سخن گفته اند. دوسال پیش در بسیاری از دبیرستان های پسرانه پرسشنامه ای توزیع شد که در آن سؤال شده بود که آیا نسبت به مساله صیغه نظر مثبت دارید یا نه؟

از طرف حکومت در شهرهای بزرگ مراکزی به نام بنیاد کوثر ویا بنیاد نرجس تشکیل شده است که زنان شوهر مرده و بی سرپرست، بخصوص همسران کسانی که در جبهه ها کشته می شوند در آنها ثبت نام میکنند. آخوندها و بازاریان "خیر و نیکوکار" برای "دلجویی و سرپرستی" آنان مراجعه می کنند. روال کار چنین است که صیغه محرمیت خوانده می شود و برای مدت معینی قرار دادی منعقد می گردد. دریک مورد افشاشد که یک آخوند حکومتی در یکی از شهرهای خراسان علاوه بر دوهسر رسمی خود حدود چهار نفر از این زنان هسر از دست داده را صیغه کرده بود. مردم نسبت به اینگونه اقدامات رژیم شدت ابراز افزاجار می کنند.

در کنار اقدامات رژیم در گسترش فحشایک مورد هم از سببیت و جنایتکاری غیر قابل تصور این حکومت که موی را برتن انسان راست می کند ذکر می کنم. در کرمان می خواستند زنی را بجرم زنا سنگسار کنند. او را تا کمر در گودال فرو کردند و دور او را خاک ریختند. اراذل و اوباش پاسدار و کمیته چی برای انجام عمل سنگسار جمع شده بودند. تپه ای سنگریزه فراهم شده بود. زن با تلاشی که می کرد تا از ضربات سنگ ریزه ها رهایی پیدا کند از گودال نجات یافت. حتی مطابق همین قوانین

بقیه از صفحه آخر
اکثر ادارات ماشین نویسی مرد استخدام کرده اند. در اداره های دولتی ویا تحت پوشش دولت به بهانه های مختلف از استخدام زنان خودداری می نمایند. برای خانه نشین کردن زنان از اقدامات جنبی همچون بستن مهد کودکها نیز استفاده می کنند. اکنون زنان مجبور هستند بیشتر در تولیدی های دوزندگی و کارگاه های دیگری از این قبیل به کار بپردازند. آنها با حدود ده ساعت کار طاقت فرسا بطور موقت ماهیانه ۲۵۰۰ تومان دریافت می دارند. بیشتر دختران جوان بعلت مشکلات اقتصادی خانواده مجبورند پس از کلاس ۴ یا ۵ ابتدایی ترک تحصیل کنند. در این زمینه تبلیغات رژیم علیه تحصیل زنان و دختران بسیار موثر است.

تعدد زوجات، این سنت بازمانده از قرون وسطا و اعصار پیشین رواج یافته است اما این امر در میان توده های مردم با نفرت مواجه شده است. در میان آبادی رژیم تعدد زوجات گسترده است. اکثر آخوندها و فرماندهان پاسداران و آیات و حجج اسلام هر کدام چندین زن رسمی دارند. رفسنجانی اخیرا در یکی از نمازهای جمعه در رابطه با تجمل پرستی و حرمسرداری خطاب به دیگر ملایان توصیه کرد پوشیده تر و در خفا عمل کنند. در مورد فساد این آقا یان چند مورد را ذکر می کنم. امام جمعه... که یکی از زنهایی فامیل... را در بیمارستان دیده بود با وجود داشتن زنان دیگر پیغام فرستاد که می خواهم با تو ازدواج کنم و برای انجام اینکار به هزار ترفند و تدبیر متوسل شد. آن آخوندی که مدتی ریاست اداره سیاسی - ایدئولوژیک ژاندارمری کز کشور را برعهده داشت، چندی پیش با چندین ماشین پاسدار مسلح به خانه یکی از دوستانش که مدتی در خانه وی مهمان بود وارد شد و تقریبا به زور دختر خوانده وی را برای ازدواج با خود برد. وی چند زن دیگر نیز دارد.

امام جمعه سوسنگرد حدود ۲ سال پیش به اعتبار عنوانش شب هنگام بدون عبا و عمامه وارد خانه زن یک "شهید" شد. با داد و فریاد زن هسایه ها به کمک آمده و آخوند مزبور را دستگیر کردند. پاسداران برای نجات جان امام جمعه از دست مردم که اندکی دیر وی را شناختند تلاش بسیاری

همچد همپن کنگره سندیکاهای شوروی

آغاز دور جدید مذاکرات

افغانستان و پاکستان

چهارشنبه هفته گذشته دور جدید مذاکرات افغانستان و پاکستان که تحت نظارت نماینده شخصی دبیر کل سازمان ملل متحد انجام می پذیرد، در ژنو آغاز شد. نخست قرار بود این دور از گفتگوها در روز ۲۲ بهمن آغاز گردد، اما مذاکرات برای مدت ۲ هفته به تعویق افتاد.

در آستانه آغاز این دور از مذاکرات، صاحب زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان برای دومین بار طی یک ماه به مسکو رفت و با مقامات اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد. خبرگزاری شوروی تاس در تفسیری نوشت دور جدید مذاکرات افغانستان و پاکستان می تواند دورنمایی آن باشد. مقامات پاکستانی نیز اظهار داشتند تحول اوضاع "به سمت مثبت" است. خبرگزاری تاس در تفسیر خود خاطر نشان ساخت ایالات متحده علنا در مذاکرات ژنو خرابکاری می کند. بعنوان نمونه، همزمان با انجام این مذاکرات دولت آمریکا موشکهای ضد هوایی استینگر در اختیار ضد انقلابیون افغانی قرار داد.

دکتر نجیب دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان در یک سخنرانی رادیویی از رهبران گروههای مخالف دعوت کرد به فراخوان رهبری افغانستان برای تشکیل یک دولت ائتلافی پاسخ مثبت بدهند. نجیب گفت: ما همه دروازه های افغانستان را باز می گذاریم تا در کشورمان صلح ایجاد کنیم و آماده ایم برای تشکیل یک دولت ائتلافی در افغانستان، با همه در داخل و خارج از کشور گفتگو نمائیم. رهبر افغانستان با اشاره به سیاست مصالحه ملی دولت کابل افزود: "این سیاست از امکانات زیادی برخوردار است و یک موقعیت برای ملت و نمایندگان احزاب مخالف است تا همپن بازسازی شود."

در عین حال خبرگزاری باخترا افغانستان گزارش داد طبق اظهارات نجیب دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان، پس از برقراری آتش بس یکجانبه از سوی دولت این کشور، حملات ضد انقلابیون گسترش یافته است. وی گفت رهبران گروههای ضد انقلابی متحد شده اند تا دعوت به صلح رهبری افغانستان را با خشونت پاسخ دهند. نجیب در ادامه این سخنان که آن را در مراسم افتتاح "مرکز پژوهشهای اسلامی" در کابل ایراد کرد، اظهار داشت افراطیون، حملات خود را به شهرها و روستاها سه تا چهار برابر کرده اند. وی تاکید ورزید مسبب اینگونه جنایات متحمل ضربات نابود کننده خواهند شد. طبق آمار دولت افغانستان، پس از اعلام سیاست مصالحه ملی تا کنون ۴ هزار زندانی که به دلیل اقدام علیه قدرت خلق محکوم شده بودند، آزاد گردیده اند.

هیئت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان قانونی به تصویب رساند که به موجب آن، مدت خدمت زیر پرچم کاهش می یابد.

خبرگزاری باخترا گزارش داد به نوشته روزنامه حقیقت انقلاب ثور ارگان کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، تاکنون بیش از ۱۵ هزار از افراد گروههای مخالف به فراخوان صلح دولت افغانستان پاسخ مثبت داده اند.

فراتر نخواهیم رفت. رهبر شوروی اظهار داشت کشورش بدون فکر و بطور خود بخودی از "آنچه امپریالیسم می خواهد در مسابقه تسلیحاتی به ما تحمیل کند" پیروی نخواهد کرد.

گاریباچف خاطر نشان ساخت علیرغم آنکه موقعیت جهانی همچنان خطرناک است، نشانه های چرخشی در فضای مناسبات بین المللی و در افکار عمومی که در حال شکل گیری است، دیده می شود. وی گفت کردها می خواهند در مسکو این امر را تأیید می کنند.

رهبر شوروی در بررسی دستاوردهای یک ساله گذشته در اتحاد شوروی ضمن تاکید بر اهمیت موفقیت ها گفت: "مهمترین و بنابر این پیچیده ترین وظیفه هنوز در برابر ماست. باید نوسازی را در عمل تحقق بخشید."

گاریباچف با اشاره به پلنوم اخیر کمیته مرکزی موضع صریح دفتر سیاسی در مورد روند دگرگونی را چنین توضیح داد: هرگاه خلق، که بیشترین نقش در نوسازی برعهده اوست، بطور کامل به روند نوسازی نپیوندد، این روند متوقف می شود. وی افزود "مه چیز باید تحت کنترل خلق قرار گیرد. بدین منظور تعمیق دمکراسی ضروری است. این است اندیشه اصلی پلنوم ژانویه." دبیر کل حزب کمونیست شوروی گفت: "البته تعمیق دمکراسی امر ساده ای نیست. نباید از این امر که در آغاز همه چیز بدون اصطکاک، تذبذب و نقاط خلاق و آموزشی هایی وجود داشته باشد، دچار هراس شد. مسئله این است: یادمکر آتیزه کردن و یا رکود اجتماعی و محافظه کاری. راه سومی وجود ندارد."

کنگره سندیکاهای شوروی تغییراتی را در چگونگی اجرای انتخابات ارگانهای رهبری سندیکاها از تصویب گذراند. به موجب این تصمیم به منظور تعمیق دمکراسی در سندیکاها، از این پس برای انتخاب مسئولین و رهبران سندیکایی چند نامزد در معرض قضاوت شرکت کنندگان در نشست ها، کنفرانسها و کنگره ها قرار خواهند گرفت.

سه شنبه گذشته همدمین کنگره سندیکاهای اتحاد شوروی در مسکو با گزارش استپان شالایف، صدر شورای مرکزی سندیکاهای شوروی گشایش یافت. در روز چهارشنبه میخائیل گاریباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این کنگره سخنانی ایراد کرد که بازتاب جهانی یافت.

گاریباچف گفت: "ندای اتحاد شوروی برای صلح به همان نسبت که ما بتوانیم به خوبی و با موفقیت به وظایف داخلی خود عمل کنیم، در عرصه بین المللی بلندتر و رساتر طنین خواهد افکند."

دبیر کل حزب کمونیست شوروی در رابطه با وظایف نوین سندیکاهای این کشور خواهان آن گردید که این سندیکاهای به مانعی در برابر اعمال مقاصد تکنوکراتیک در اقتصاد تبدیل گردند و بکوشند سمت گیری اجتماعی تصمیمات اقتصادی را به کرسی بنشانند. وی افزود سندیکاهای باید مبارزه جویانه در راه رشد موزون تولید و حل مسائل اجتماعی بکوشند. گاریباچف اظهار داشت: "باید مصمانه روحیه مبارزاتی سندیکاهای را ارتقا داد و فرمالیسم، باند بازی، کاغذ بازی و بی شامتی را در آنها ریشه کن ساخت." رهبر شوروی از کوتاهی در فعالیت های سندیکاهای در رابطه با یک سلسله مسائل بسیار مهم، مانند از میان بردن برابری مکانیکی در پرداخت دستمزد، انتقاد کرد.

میخائیل گاریباچف تاکید کرد هر گام اتحاد شوروی در راه نوسازی، سوسیالیستی، در عین حال یک پیروزی نیروهای صلح و ترقی و شکستی برای نیروهای تجاوز و میلیتاریسم است.

به گفته گاریباچف، در حال حاضر هدف امپریالیسم آن است که "از تحقق برنامه های نوسازی ماحلوگیری کند، در راه آنها مانع ایجاد کند، آهنگ آنها را کند سازد و به این روند به کمک مسابقه تسلیحاتی لطمه وارد آورد." وی گفت اتحاد شوروی هر آنچه لازم است انجام داده است تا امنیت خود و متحدانش را تضمین کند، و افزود: "مادر آینده نیز چنین خواهیم کرد، اما یک گام نیز از چهار چوب الزامات و نیازهای دفاع در مقیاس معقول و کافی

اخبار کوتاه

* بیبوند. علیرغم تعدید مکرر مهلت پایان موراتوریوم شوروی، واشنگتن با بی اعتنائی به خواست جهانیان از هنگام قطع آزمایشهای شوروی، ۲۹ انفجار هسته ای انجام داد. در مسکو اعلام شد اتحاد شوروی همچنان آماده مذاکره پیرامون قطع آزمایشهای هسته ای است.

* یک مقام نظامی نیکاراگوئه اعلام کرد از آغاز سال جاری، میلادی تا کنون تنها در استانبول مرکزی بائوتو و کونتاالس این کشور، ۲۱۷ ضد انقلابی در درگیری با ارتش ساندینیستی از پای در آمده اند.

* بدنبال انتشار گزارش کمیسیون سه نفره منتخب ریگان برای بررسی ماجرای "ایران گیت"، دونالد ریگن رئیس دفتر کاخ سفید و عالی رتبه ترین مشاور رئیس جمهور ریگان از سمت خود استعفا کرد.

* تلویزیون شوروی، در شانزده روز شنبه ۲۸ فوریه بیانیه مهمی از میخائیل گاریباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی بخش کرد که طی آن اعلام کردید اتحاد شوروی از این پس آماده است در مذاکرات خلع سلاح با آمریکا، پیرامون کاهش موشکهای میان برد در اروپا جداگانه و مستقل از سلاحهای فضایی و استراتژیک، گفتگو کند. در این زمینه، توافق میان دو کشور موجود است که در دیدار گاریباچف و ریگان در ریویاریک حاصل شد. این گام مسئولانه شوروی، بلافاصله پس از اعلام مورد استقبال گسترده جهانی قرار گرفت.

* برای نخستین بار پس از ۱۹ ماه، اتحاد شوروی یک آزمایش هسته ای در کاواختان انجام داد. این کشور در ماه اوت ۱۹۸۵ سلسله آزمایشهای هسته ای خود را به طور یکجانبه متوقف ساخت و آمریکا را فراخواند به این اقدام

بیانیه احزاب کارگری و کمونیستی کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک پیرامون نبرد در اردوگاه‌های لبنان

احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای خاور میانه و خاور نزدیک در تاریخ ۸۶/۱۲/۵ با انتشار بیانیه‌ای حملات سازمان امل علیه اردوگاه‌های فلسطینی را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است:

"ما شاهد تشدید نبرد خونین در اطراف اردوگاه‌های فلسطینی هستیم. نبردی که اثرات منفی عمیقی بر اتحاد نیروهای ملی لبنان و فلسطینی‌ها برجای می‌گذارد. این جنگ و خورشی‌ریزی در خدمت اهداف توطئه آمیز آنگهایی است که خراهان تفرقه و دشمنی بین دولت برادر لبنانی و فلسطینی هستند... این جنگ خلاف منافع جنبش‌های بخش خلق‌های عرب و بخصوص سوریه، انقلابیون فلسطین و نیروهای ملی لبنان است. این خونریزیها زمینه‌ساز توطئه‌های آمریکا و اسرائیل برای تحکیم موقعیت خود در منطقه و انعکاس طرح‌های سازشکارانه آمریکایی، اسرائیلی است.

اکنون اسرائیل و عوامل آن در لبنان از جنگ و خورشی‌ریزی اطراف اردوگاه‌های فلسطینی شادمانند و در چنین موقعیتی می‌کوشند تا حضور خود در جنوب لبنان را دائمی ساخته و از دستیابی به راه‌حلی که وحدت و تمامیت لبنان عربی را تأمین نماید و لبنان تحت اداره حکومتی ملی راه پیشرفت دموکراتیک را در پیش گیرد، مانعت نمایند.

احزاب ما خراهان آتش بس فوری و قطع جنگ توسط نیروهای امل هستند. ما می‌خواهیم تا سازمان امل حملات به اردوگاه‌های فلسطینی و محاصره آنها را قطع کند و از ارباب و تهدید فلسطینیان برای مجبور ساختن آنها به ترک خانه و کاشانه خویش خودداری نماید. ما خواهان آنیم که با مذاکره و دستیابی به توافقنامه ملی و لبنانی-فلسطینی هر چه زودتر اوضاع آرام شده و به وضع سابق بازگردد.

احزاب ما تأکید می‌کنند که گفتگوی سیاسی تنها روشی است که زمینه را برای دستیابی به یک راه‌حل سیاسی مورد قبول هموار می‌سازد و نیروهای ملی لبنانی و فلسطینی را در مبارزه مشترک علیه اشغالگران اسرائیلی متحد می‌نماید.

احزاب ما بر حق ملت فلسطین برای زندگی آرام و بدون تعرض در لبنان و حقوق مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خود برای استقرار دولت ملی در سرزمین خویش تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین که یگانه نماینده قانونی ملت فلسطین است، تأکید می‌کنند.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک (شرق عربی)



دیده نمی‌شود. مردم می‌گویند: اجناس، برای آنها سفارشی می‌رود. در این صفا هیچ کس جرأت نمی‌کند از رژیم حمایت کند. بعداً خواهیم نوشت که چگونه این صفا از مهم‌ترین کانونهای افشای رژیم و طرح بحث‌های سیاسی است.

حقوق مدنی و اجتماعی زنان

حقوق مدنی و اجتماعی زنان بشکن و وحشتناکی پایمال می‌گردد و هر روز شاهد صحنه‌های غیباری در این زمینه هستیم. بطور مثال اگر زنی به هر دلیل بخواهد طلاق بگیرد و شوهر با آن موافق نباشد مجبور به ادامه زندگی مشترک است. نمونه‌هایی را می‌شناسم که این جمله معروف از سوی شوهر ادا شده است که "می‌گذارم موهایت مانند دندانهای سفید شوند و طلاق نمی‌دهم." و سرگردانی بی‌پایان این زنان ادامه یافته است. قوانین اسلامی در این زمینه تماماً علیه زن است.

در مورد شرکت زنان در فعالیتها، اجتماعی باید بگویم تا کنون عملاً سیاست رژیم اخراج زنان از محیط‌های تولیدی و خدماتی بوده است. هدف اعلام شده جمهوری اسلامی خانه نشین کردن زنان است. بسیاری از مائین‌نویس‌ها، کارمندان دفتری و کارگران زن اخراج شده‌اند. طبیعی است که این روند با اخراج کارگران و کارمندان چپ و مترقی آغاز شد و گسترش یافت. اخیراً در بقیه در صفحه ۱۴

جمهوری اسلامی جهنم واقعی زنان

بنسایت فرارسیدن ۸ مارس روز جهانی زن، در ادامه درج سلسله گزارش‌هایی از داخل کشور این شماره نشریه را به انتشار گزارشی در مورد وضعیت زنان در جمهوری اسلامی اختصاص می‌دهیم:

... در اینجاسی می‌کنم تنها مواردی را که یا خود شاهد آن بوده‌ام و یا مستقیماً از شاهد آن شنیده‌ام ذکر کنم. بخش اعظم مشکل تهیه ارزاق عمومی بر دوش زنان است. آنان مجبورند برای تهیه نان، نفت، شامپو، بنیر، گوشت، کره و... بدون افران در روز بین ۴ تا ۸ ساعت را در صفا بگذرانند و این بر وظایفی که تاکنون زنان در خانواده بر عهده داشتند افزوده است. برای نمونه فقط ذکر یک مثال کافیت. در جلویک پیب بنزین که نفت می‌فروخت صفی تشکیل شده بود که حدوداً تا دو کیلومتر ادامه داشت. در تمام طول روز، شب و فردای آن، مردم که اکثر آنان را زنان تشکیل می‌دادند مجبور بودند که در صف بمانند. در طول شب از تعداد زنان کاسته و به تعداد مردان افزوده می‌شد. در مواردی دیده می‌شد که مادران کودکان خود را در صف نفت می‌گذراند تا خود در صف نان حاضر شوند و خانواده گرسنه نماند. باین ترتیب بر اساس تعداد مورد خرید روزانه مایحتاج ضرور مردم، می‌توانید دفعات و میزان در صف ایستادن را تخمین بزنید. در این صفا هیچ آخوند و پاسداری،

تور و وحشیانه کمونیست‌های لبنانی

ر بوده شدند.

این جنابها و وحشیانه همزمان با آغاز در گیربهای شبه نظامیان امل از یک سو و اعضای حزب کمونیست و حزب سوسیالیست ترفیض‌شاه لبنان از سوی دیگر آغاز شد. امل در این مدت دست به یک جنگ تبلیغاتی تمام عیار علیه حزب کمونیست لبنان زده است. سازمان امل حزب کمونیست لبنان را بدین خاطر آماج حملات خود قرار می‌دهد که کمونیستهای لبنان خواهان لغو نظام فرقه گرابانه در ساختار دولتی لبنان و ایجاد یک حکومت غیرمذهبی هستند.

در شماره گذشته "اکثریت" خبر از ترور رفیق حسین مرعو عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان و نویسنده برجسته لبنانی دادیم. در هفته گذشته خبر رسید که در روز سه شنبه در بندر صیدا واقع در جنوب لبنان، دکتر لیبیب عبدالصمد پزشک کمونیست هدف سو' قصد فرار گرفت و جان خود را از دست داد. بدین ترتیب، شمار اعضای حزب کمونیست لبنان که تا نظر طرف ۱۰ روز قربانی سو' قصد گردیده‌اند به ۸ تن رسید. در میان این ۸ نفر سه تن پزشک بودند. طی همین ۱۰ روز، ۱۷ کمونیست دیگر

از همه رفقا درستانی که با نشریه "اکثریت" مکاتبه می‌کنند تقاضا داریم در هنگام نوشتن نشانی نشریه تنها آنچه را که ما زیر عنوان آدرس آورده‌ایم در پشت پاکت قید کنند و از نوشتن عنوان "اکثریت" و یا هر عنوان دیگری به لاتین مطلق خودداری ورزند.

گالکند و دانشوران

مجموعه نشرانه سرو دشمار ۲۷ کارگاه هنر ایران

منتشر شود

از ترانه سرودهای این مجموعه:

حماسه تابان

شعله بالنده

جان بی‌قرار

عطر غنچه‌ها

اتحاد

فروزندگان آتش

لالایی

AKSARIYAT
NO. 148
MONDAY MAR 2 - 87
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY